

فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد/ سال دهم/ شماره ۱/ بهار ۱۴۰۲/ صفحات ۲۸۸-۲۴۵

واکاوی خصوصی سازی صنایع پایین دستی نفت و گاز در ایران از

منظر چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم

محمد یاراحمدی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، m.yarahmadi@isu.ac.ir

مهدی صادقی شاهدانی

استاد گروه اقتصاد انرژی دانشگاه امام صادق(ع)، sadeghi@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

چکیده

این پژوهش به بررسی این سؤال پرداخته است که «عوامل برونزای مؤثر، بازیگران و پیامدهای غیردولتی شدن صنایع پایین دستی نفت و گاز چه مواردی هستند؟» در گام اول سؤالات متناسب با چارچوب IAD با مطالعه اسناد، پژوهش‌های پیشین، اخبار و داده‌های اقتصادی استخراج گردیدند. در این گام ۱۵ نفر از نخبگان و فعالان صنعتی به روش غیرتصادفی و بر مبنای احراز نخبگی در صنعت پتروشیمی انتخاب گردیده و در بازه ۳ ماهه تابستان ۱۴۰۱ مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. در گام دوم گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون، با رویکرد قیاسی و بر مبنای چارچوب تحلیلی IAD بررسی گردیدند. عوامل برونزا به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول ویژگی‌های اجتماع است که عبارت‌اند از: ضعف رویکرد سرمایه‌گذاری عامه مردم، کژگزینه بازیگران سیاسی و عدالت‌طلبی. شرایط مادی/ بیولوژیکی عامل برونزای دوم است که از این موارد تشکیل می‌گردد: نقص بازار سرمایه و بخش بانکی، ضرورت حضور نهادهای عمومی غیردولتی، نواقص بخش خصوصی واقعی، نواقص قانونی و سیاست‌های کلان، نواقص بخش اقتصاد کلان، تحریم اقتصادی و نواقص تنظیم نرخ خوراک. عامل برونزای سوم نیز قواعد، قوانین و اسناد بالادستی کشور هستند. در حوزه بازیگران ۲۱ نهاد شناسایی شدند که در سه لایه تأسیسی، سیاستی و عملیاتی فعالیت می‌کنند و هرکدام وظایف خاصی از سیاست‌گذاری کلان، سیاست‌گذاری بخشی و مستقیم، تأمین خوراک، مدیریت و توسعه و ... را انجام می‌دهند. پیامدهای مستخرج نشان می‌دهند که همه اهداف اقتصادی در صنایع پایین دستی خصوصی محقق نشده‌اند.

واژه‌های کلیدی: خصوصی سازی، پتروشیمی، پتروپالایشگاه، اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش پایین دستی، تحلیل نهادی.

طبقه‌بندی JEL: F55, G23, L00

۱- مقدمه

مجموعه‌ای از شواهد انباشته نشان می‌دهند که شرکت‌های دولتی در بخش قابل‌توجهی از عملکردهای خود در مقایسه با شرکت‌های خصوصی ضعیف عمل می‌کنند (پو و همکاران^۱، ۲۰۰۸). کارکنان مازاد، سیاست‌های حمایتی و تحمیل اجباری و سیاسی اهداف استراتژیک به شرکت‌ها به‌غیراز آسیب زدن به سود، منجر به ناکارآمدی فزاینده در سطح شرکت‌ها خواهد شد. در دهه‌های گذشته مالکیت دولتی شرکت‌ها و به‌طور کلی، مداخله بیش‌ازحد دولت در امور اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای به عنوان علت اصلی عملکرد ضعیف اقتصادهای غربی تلقی می‌شد. در نتیجه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در رأس برنامه‌های ملی قرار گرفت (وبینگر و همکاران^۲، ۲۰۱۶). به‌طور مثال رکودهای اقتصادی در مکزیک، سقوط قیمت‌های بین‌المللی نفت و ناتوانی در پرداخت بدهی خارجی منجر به اعمال تدابیر تعدیل نئولیبرالی مرتبط با خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و توسعه سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی شد. در این کشور در همین راستا سیاست‌های متناسبی در صنعت پتروشیمی ارائه گردید (ماریتنزل‌اگونا^۳، ۲۰۰۴).

تلاش‌های استراتژیک در دهه‌های گذشته برای جهانی‌سازی صنعت نفت از مجرای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای تولیدکننده نفت آغاز شده است. از این‌رو خصوصی‌سازی صنعت نفت به عنوان یک عملیات اقتصادی برای کاهش قدرت و کنترل اعمال شده توسط کشورهای تولیدکننده بر این کالای حیاتی عمل می‌کند. از این نظر با خصوصی‌سازی صنعت نفت، شرکت‌های چندملیتی و کشورهای واردکننده، کنترل بازار جهانی انرژی را به دست گرفتند. دو عامل سیاسی و اقتصادی دیگر نیز باعث خصوصی‌سازی جهانی نفت می‌شوند که در پژوهش‌های اقتصادی کمتر مورد توجه واقع می‌شوند. اول، و مسلماً مهم‌ترین نیروی محرکه خصوصی‌سازی صنعت بین‌المللی نفت، نیاز کشورهای مصرف‌کننده به کاهش اتکای خود به اوپک و همچنین کشورهای خاورمیانه است. با توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی نهادهای غربی کنترل و مشارکت بیشتری در بازار اعمال می‌کنند. دومین عامل، نابرابری اقتصادی در داخل

¹ Pao et al.

² Obinger et al.

³ MartínezLaguna

کشورهای تولیدکننده نفت است که خود شامل سه عامل فرعی است: فقدان تنوع اقتصادی، بار اقتصادی بدهی خارجی کشورهای میزبان، و اتکای انحصاری کشورهای تولیدکننده نفت به درآمدهای نفتی. به عبارت دیگر استراتژیست‌های منابع انرژی، در راستای نیل به کنترل مشارکت و نفوذ بر بازارهای جهانی انرژی، خصوصی‌سازی صنایع نفتی را توصیه می‌کنند (رهی^۱، ۲۰۰۵).

در کشور ایران مسیر مالکیت دولتی در حوزه بخش پایین‌دستی نفت و گاز تجربه شده است. بخش پایین‌دستی در ایران هنوز به ظرفیتی نرسیده است که درصد بالاتری از نفت تولیدشده در کشور را به محصولات موجود در زنجیره ارزش نفت تبدیل کند. توسعه بخش پایین‌دستی برای مقابله با خام‌فروشی و ایجاد ارزش‌افزوده یک اولویت جدی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید بوده است. تمامی صنایع پایین‌دستی و بالادستی نفت و گاز کشور تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دولتی بودند. سند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ صراحتاً خصوصی‌سازی صنایع بزرگ و صنایع مادر از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز را مجاز اعلام نمود. (سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۲، ۱۳۸۴) هدف از خصوصی‌سازی صنایع پایین‌دستی نفت و گاز را می‌توان در توسعه بخش پایین‌دستی، افزایش بهره‌وری صنعت، کاهش تصدی‌گری دولت، افزایش انعطاف و سرعت در تصمیم‌سازی‌های این صنعت و مردمی‌سازی خلاصه نمود. هدف آن بود که توسعه همه‌جانبه صنایع پایین‌دستی آسیب‌های ناشی از صادرات نفت خام را به حداقل مقدار برساند. با وجود تعریف این اهداف، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر بوده است. نحوه اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی موجب گردیده است که در لایه نخبگانی اختلافات علمی گسترده‌ای بر اساس رویکردهای مختلف علمی شکل بگیرد؛ همچنین شبهات شکل‌گرفته پیرامون بروز فساد و رانت اقتصادی در فرآیند واگذاری‌ها نیز اعتراضات اجتماعی در لایه مردمی را برانگیخته است.

^۱ Rhea

^۲ General policies of Article 44 of the Constitution (2004)

علیرغم نگاه‌های علمی انبوهی که در حوزه بررسی منطق و تأثیر خصوصی سازی بر شاخص‌های اقتصادی صنایع مختلف تولید شده، عمدتاً تجربه اقتصادهای غربی را به جای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. بنابراین ادبیات موجود به خوبی نمی‌تواند نشان دهد که ابعاد خصوصی سازی در کشورهای تازه صنعتی شده، به ویژه اقتصادهای بازار کوچک که دارای برخی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی مرکزی در طرح‌های سیاستی خود هستند، چه نتایجی را در پی خواهد داشت (پو و همکاران، ۲۰۰۸). اکنون بعد از گذشت حدود ۱۵ سال از تجربه خصوصی سازی گسترده در ایران، لازم است که این تجربه مورد مذاقه قرار بگیرد تا در حکمرانی اقتصادی صنایع نوپدید حوزه پایین دستی مانند پتروپالایشگاه‌ها، اشتباهات گذشته تکرار نشوند. از این رو لازم است که ناظر به ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی و تجربه خصوصی سازی پتروشیمی‌ها در ایران، چارچوب نهادی خصوصی سازی این صنایع بزرگ مشخص گردد.

در این پژوهش برای شکل‌دهی ساختار نهادی خصوصی سازی صنایع پایین دستی از چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم استفاده شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود که:

(الف) چه عوامل برون‌زایی بر خصوصی سازی صنایع پایین دستی و عملکرد شرکت‌های غیردولتی مؤثر هستند؟

(ب) بازیگران موجود در این صنعت و فرآیند فعالیت شرکت‌های غیردولتی و فرآیند خصوصی سازی چه نهادهایی هستند و هرکدام چه فعالیتی می‌نمایند؟

(ج) مجموعه عوامل برون‌زا و ساختار نهادی بازیگران در حوزه خصوصی سازی صنایع پایین دستی نفت و گاز چه پیامدهایی را ایجاد نموده‌اند؟

در این مقاله بعد از بیان پیشینه پژوهش و وجه نوآوری مقاله، ادبیات نظری خصوصی سازی و چارچوب نهادی IAD مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است. در بخش خصوصی سازی، تاریخ خصوصی سازی در ایران و صنایع پایین دستی نفت و گاز مختصراً و مبتنی بر مصوبات نهادهای مرتبط مورد اشاره قرار گرفته است. در گام بعدی بعد از شرح گام‌های پژوهش از جهت روش پژوهش و روش جمع‌آوری داده، گام‌به‌گام مسیر پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون شرح داده شده است. در پایان با استفاده از یافته‌های پژوهش، راهبردهای اصلاحی برای این صنعت ارائه گردیده است.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- خصوصی‌سازی

به صورت کلی می‌توان گفت که خصوصی‌سازی به معنای واگذاری مالکیت شرکت‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی است. البته در ایران واگذاری مالکیت به بخش‌های شبه‌دولتی نیز در لایه خصوصی‌سازی طبقه‌بندی می‌شود. فروش سهام به عموم مردم، مذاکره و مزایده به سرمایه‌گذاران خاص، فروش سهام شرکت به مدیریت و کارکنان، کوپن، فروش دارایی‌ها و اموال شرکت، تجدید ساختار و تفکیک واحدهای دولتی و سرمایه‌گذاری جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی از جمله راهبردهایی هستند که برای خصوصی‌سازی به کار گرفته می‌شوند (قلی‌پور و همکاران^۱، ۱۳۹۰).

دولت‌ها در مسیر خصوصی‌سازی به دنبال تحقق اولویت‌های خود شامل رشد درآمدها، ارتقای شفافیت، گسترش و تعمیق بازارهای سرمایه، حاکمیت شرکتی بهتر، تأثیر مستقیم دانش فنی یا مدیریتی و دسترسی بهتر به بازارها خواهد بود (پو و همکاران، ۲۰۰۸). تجربه بسیاری از کشورهایی که فرآیندهای خصوصی‌سازی گسترده را اجرا کرده‌اند نشان می‌دهد که تقریباً در همه‌جا منجر به رفع موانع ورود، فرآیندهای آزادسازی بازار و ایجاد رقابت می‌شود. خصوصی‌سازی اغلب منجر به آزادسازی بازار و اصلاح فرآیندهای مقرراتی می‌شود (پرا^۲، ۱۹۹۷).

فرآیند خصوصی‌سازی در ایران نیز تجربه‌شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی چنین حکم نموده است که اقتصاد ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. این اصل بخش دولتی را در کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها تعریف نموده است و در ادامه بیان نموده است که بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی خواهد بود. (سند قانون اساسی^۳، ۱۳۶۸) بنابراین این اصل فعالیت‌های صنایع بزرگ را در حوزه مالکیت دولتی تعریف نموده است. اما در سال ۱۳۸۴ سند سیاست‌های کلی

^۱ Qalipour et al. (2011)

^۲ Pera

^۳ Constitution (1989)

اصل ۴۴ به شرح این اصل پرداخته و مسیر خصوصی سازی صنایع مختلف در ایران را باز نمود. متن این سند، اهداف مختلفی را برای آن اعلام نموده است که ۴ مورد از آن صراحت در رویکرد کلی نظام به سمت خصوصی سازی دارند: «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی.» در این قانون سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در برخی از حوزه های مذکور در ابتدای اصل ۴۴ توسط بنگاه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش های تعاونی و خصوصی مجاز شمرده شده است.

یکی از حوزه های تصریح شده در متن سند سیاست های کلی اصل ۴۴، صنایع مادر از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز است (سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴). در راستای اجرایی کردن این سیاست ها، هیئت واگذاری سازمان خصوصی سازی چند مصوبه در مورد پتروشیمی ها داشته است که برخی از آن ها در جدول زیر ارائه شده اند:

جدول (۱): برخی از مصوبات هیئت واگذاری در مورد پتروشیمی ها

شماره جلسه	تاریخ جلسه	پتروشیمی های مورد اشاره برای واگذاری
۱	۱۳۹۰/۰۵/۰۸	پتروشیمی تبریز، پتروشیمی بیستون، پتروشیمی هگمتانه، خدمات کیفیت آریا SGS، پایانه ها و مخازن پتروشیمی، پتروشیمی کاویان، پتروشیمی گجساران، پتروشیمی لردگان، پتروشیمی پارس، پتروشیمی زنجان، پتروشیمی گلستان، پتروشیمی داراب، پتروشیمی فارس، پتروشیمی جهرم، پتروشیمی دهدشت، پتروشیمی کارون، پتروشیمی دماوند، ۲۷.۲۷ درصد سهام پتروشیمی باختر، پتروشیمی خلیج فارس
۲	۱۳۹۱/۰۹/۱۱	بررسی مشکلات موجود در فرآیند واگذاری هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس؛ جمع بندی جلسه: با عرضه سهام شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس (هلدینگ) به همراه دو شرکت پتروشیمی فجر و مبین در داخل هلدینگ (۱۵ شرکت بر اساس مصوبات قبلی هیئت واگذاری) موافقت شد.
۳	۱۳۹۴/۱۲/۱۵	۱۶.۱ درصد سهام شرکت «پتروشیمی جم» به مبلغ ۱,۱۱۳,۵۲۷,۹۸۰,۰۲۲ ریال

منبع: یافته های پژوهش مبتنی بر آرشیو مصوبات هیئت واگذاری سازمان خصوصی سازی^۱، ۱۴۰۱

^۱ Archive of approvals of the Privatization Organization Transfer Board (2022)

۲-۲- چارچوب نهادی IAD

پژوهشگران برای پاسخ دادن به سؤالات علمی در مورد روندهای اصلاحات و تحول در حوزه‌های مختلف اقتصادی، به چارچوبی مشخص و دسته‌ای از نظریات منسجم نیازمند هستند. این چارچوب مشخص در نهایت به پژوهشگر کمک خواهد کرد که پیامدهای مشخصی که در نتیجه اجرای هر سناریو پدید می‌آیند را دریابد و بتواند قضاوت روشنی درباره سناریوهای مختلف ارائه کند (استروم^۱، ۱۳۹۴). به همین منظور در این پژوهش از چارچوب تحلیل نهادی IAD^۲ برای شناسایی نهادهای رسمی و غیررسمی مؤثر در شکل‌گیری صنایع پایین‌دستی غیردولتی استفاده شده است. این چارچوب برای اولین بار از سوی استروم و همکاران^۳ (۱۹۹۴) ارائه شده است. چارچوب IAD توسعه داده شده است تا تجزیه و تحلیل «تنظیمات نهادی» را امکان‌پذیر کند؛ یعنی این چارچوب برای هر موقعیتی که شامل تعامل افراد با یکدیگر در یک زمینه خاص و پیروی از قوانین خاص است، به کار می‌رود (سماجگل و همکاران^۴، ۲۰۰۹). و این امکان را ایجاد می‌نماید تا با تحلیل اثر عوامل برون‌زا و روابط بازیگران، پیامدهای هر پدیده اقتصادی مانند خصوصی‌سازی را شناسایی نمود.

چارچوب IAD یک نقشه مفهومی چندلایه است؛ لایه مرکزی عرصه کنش است؛ عرصه کنش به فضایی اطلاق می‌شود که در آن افراد با یکدیگر تعامل دارند، کالاها و خدمات را مبادله می‌کنند، مشکلات را حل می‌کنند و بر یکدیگر تسلط دارند (استروم، ۲۰۰۸). عرصه‌های کنش در خانه، در همسایگی، در شوراهای محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، در شرکت‌ها و بازارها و در تعاملات میان همه این عرصه‌ها با دیگران وجود دارند (استروم، ۲۰۰۵). یک تحلیلگر نهادی پس از تلاش برای درک ساختار اولیه یک عرصه کنش که منجر به الگوی خاصی از تعاملات و نتایج می‌شود، می‌تواند یک گام دیگر را بردارد. این مرحله پژوهشگر یک گام به سمت بیرون حرکت می‌کند و به بررسی عوامل برون‌زا می‌پردازد که بر ساختار یک عرصه کنش تأثیر می‌گذارند و در نتیجه عمل بازیگران تحت تأثیر آن عوامل است. از این نظر هر عرصه عمل خاصی که بازیگران در

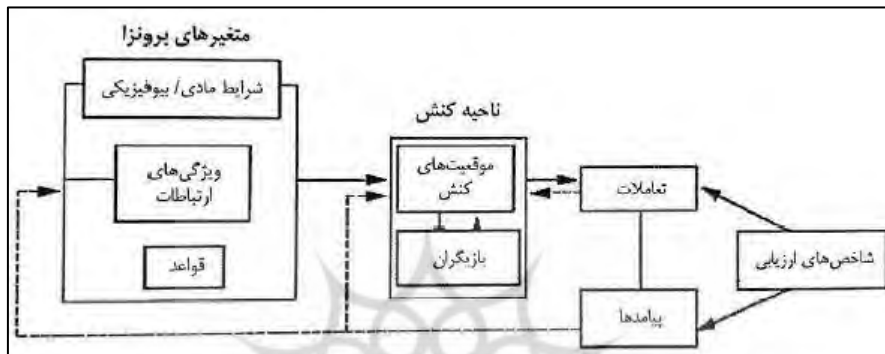
¹ Ostrom

² THE INSTITUTIONAL ANALYSIS AND DEVELOPMENT

³ Ostrom et al.

⁴ Smajgl et al.

آن قرار دارند، باید به عنوان مجموعه‌ای از متغیرهای وابسته در نظر گرفته شود. عوامل مؤثر بر ساختار یک عرصه کنش شامل سه دسته از مؤلفه‌ها است: (الف) قوانین، (ب) ویژگی‌های دنیای بیوفیزیکی و (ج) ساختار جامعه (استروم، ۲۰۰۵) که در ادامه شرح داده خواهند شد. شکل ۱ ساختار کلی این چارچوب را نشان می‌دهد.



شکل (۱): چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم

منبع: استروم، ۱۳۹۴

در ادامه مؤلفه‌های موجود در این چارچوب شرح داده می‌شوند:

(الف) شرایط مادی/ بیوفیزیکی^۱: یک موقعیت کنش و مجموعه انگیزه‌هایی که افراد در یک موقعیت با آن مواجه می‌شوند تحت تأثیر شرایط بیوفیزیکی و مادی قرار دارند. اینکه چه اقدامی در موقعیت کنش امکان پذیر است، چه نتایجی را می‌توان تولید کرد و چه اقداماتی با نتایج مرتبط می‌شوند، تحت تأثیر شرایطی است که بر یک موقعیت کنش حاکم شده است (استروم، ۲۰۰۵). بسیاری از عوامل بیوفیزیکی و اجتماعی بر انگیزه‌های افراد برای سازمان‌دهی خود، ایجاد مرزها، ایجاد قوانین، نظارت بر اجرای قوانین و تحریم کسانی که این قوانین را زیر پا می‌گذارند، تأثیر می‌گذارند (استروم، ۲۰۰۶). تغییرات تکنولوژی از جمله شرایط مادی است که به صورت برونزا بر اقدامات بازیگران موجود در یک صنعت تأثیر می‌گذارد. به طور مثال شتاب فناوری ارتباطات و حمل‌ونقل، موج جهانی سازی را در صنایع مختلف ممکن کرد و به شرکت‌ها اجازه داد تا محصولات و فرآیندهای تولید خود را در کشورها و قاره‌های مختلف در جستجوی مزیت‌های نسبی توزیع کنند. هم‌چنین مؤلفه‌های برونزا به بازارهای مالی این امکان را

^۱ Biophysical/Material Conditions

می‌دهند که در عرض چند دقیقه به وقوع حوادث در دوردست‌ها، مانند حملات تروریستی، واکنش نشان دهند. (یونگ و همکاران^۱، ۲۰۰۶)

ب) ویژگی‌های ارتباطات^۲: ویژگی اجتماع به عنوان یک مؤلفه برون‌زا بر اقدامات بازیگران تأثیر می‌گذارد. به طور مثال وقتی افراد در یک چارچوب نهادی در روابط اقتصادی نمی‌توانند انتظارات و اعتماد یکدیگر را جلب نمایند، به عنوان حداکثر کننده‌های بازده کوتاه‌مدت رفتار می‌کنند (استروم، ۲۰۰۶) و رویکردهای بلندمدت اتخاذ نمی‌نمایند. این یک واقعیت نهادی از جنس فرهنگ اقتصادی است که باید برای تحلیل ساختار یک صنعت، مدنظر قرار بگیرد. در واقع در شناسایی این مؤلفه سعی بر این است که قواعد رفتاری جامعه در مواجهه با پدیده اقتصادی موردبررسی کشف شوند و به عنوان یک عامل برون‌زا که بر کنش بازیگران مؤثر است، مدنظر قرار بگیرند.

ج) قواعد^۳: مجموعه قوانین مربوط به هر محیط سازمانی قواعدی هستند که ترتیبات سازمانی آن مجموعه را مشخص می‌نمایند (سماجگل و همکاران، ۲۰۰۹) مجموعه قواعد، به معنای دستورالعمل، می‌توانند به عنوان استراتژی‌هایی در نظر گرفته شوند که توسط شرکت‌کنندگان در موقعیت‌های جاری اتخاذ می‌شوند (استروم، ۲۰۰۵) نوآوری در قوانین معمولاً در یک فرآیند آزمون و خطای مستمر رخ می‌دهد و این آزمون و خطا تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یک سیستم قانون تکامل یافته شده و سود خالص قابل توجهی را از منظر بازیگران به همراه داشته باشد (استروم، ۱۹۹۸).

د) موقعیت‌های کنش^۴: یک موقعیت کنش بستری است که شرایط اقدام را برای بازیگران فراهم می‌کند. در واقع بازیگران در موقعیت‌ها، یعنی عناوینی که به نقش‌های خاص مربوط می‌شوند، باید با توجه به اطلاعاتی که در مورد ارتباط اقدامات با نتایج بالقوه، کنترلی که بر این ارتباط دارند و هزینه‌ها و منافع مورد پیش‌بینی، در میان اقدامات مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند (سماجگل و همکاران، ۲۰۰۹)

ه) بازیگران^۵: بازیگران در یک موقعیت کنش، افرادی تصمیم‌گیر هستند که نقش خاصی را ایفا می‌کنند و قادر به انتخاب از میان مجموعه‌ای از گزینه‌های موجود در یک فرآیند

¹ Young et al.

² Attributes of Community

³ Rules

⁴ Action Situations

⁵ Participants

تصمیم‌گیری می‌باشند (سماجگل و همکاران، ۲۰۰۹ به نقل از استروم، ۲۰۰۵) بر اساس چارچوب توسعه و تحلیل نهادی بازیگران در سه لایه به تعامل می‌پردازند: لایه اول لایه عملیاتی است؛ به این معنی که بازیگران در این لایه مستقیماً با هم تعامل می‌کنند و قواعد عملیاتی به صورت مستقیم بر این لایه اثرگذار است. لایه دوم لایه سیاستی است؛ در این لایه دو مسئله مورد تصمیم‌گیری قرار گرفته می‌شود: مسئله اول نوع بازیگرانی است که می‌توانند در لایه عملیاتی به تعامل بپردازند و مسئله دوم سیاست‌گذاری در مورد قواعدی است که مستقیماً نحوه تعامل بازیگران در لایه اول را شکل می‌دهد. لایه سوم لایه تأسیسی است. در این لایه که عمیق‌ترین و پایدارترین لایه است، قواعد اساسی و درازمدت جامعه قرار می‌گیرد که بر لایه سیاستی تأثیر می‌گذارد (استروم، ۱۳۹۴؛ شریف‌زاده و سرمست شوشتری^۱، ۱۴۰۱). شکل ۲ لایه‌های کنش را نشان داده است:



شکل (۲): لایه‌های کنش در چارچوب IAD

منبع: همان

(و پیامدها^۲ و تعاملات^۳: نتایجی که به دست می‌آیند در نهایت به بازیگران و موقعیت‌های کنش باز می‌گردند و ممکن است هر دو را در طول زمان تغییر دهند و موجبات اصلاحات را فراهم کنند. هنگامی که نتایج برای بازیگران قابل قبول باشد، ممکن است تعهد خود را به پیروی از قوانین و هنجارهایی که در طول زمان تکامل یافته‌اند

¹ Sharifzadeh & Sarmast Shushtari (2022)

² Outcomes

³ Interactions

افزایش دهند تا همچنان به نتایج مثبت ادامه دهند. هنگامی که نتایج توسط متصدیان ارزش کمتری نسبت به سایر پیامدهایی که ممکن است به دست آید درک شود، برخی از بازیگران شروع به طرح سؤالاتی در مورد تغییر ساختار موقعیت‌ها از طریق تغییرات مختلف در متغیرهای برون‌زا یا ساختار خود موقعیت‌ها می‌کنند (استروم، ۲۰۰۸)

پژوهش‌هایی که در جدول ۳ مورد اشاره هستند، بر اساس چارچوب IAD نگاشته شده‌اند؛ البته تعداد پژوهش‌هایی که بر اساس اندیشه نهادی استروم به صورت کلی و بر اساس چارچوب IAD به صورت خاص نگاشته شده‌اند بیشتر از مواد مذکور در جدول ۳ است اما از باب نمونه و محدودیت حجم متن پژوهش به این موارد اکتفا شده است.

جدول (۲): پژوهش‌هایی مبتنی بر چارچوب توسعه و تحلیل نهادی

نویسنده	مسئله پژوهش
(قلی‌پور ^۱ ، ۱۳۹۵)	فهم چالش‌های تحول علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد نهادی
(شریف‌زاده و سرمست شوشتری ^۲ ، ۱۴۰۱)	تحلیل نهادی استقرار نظام مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی در ایران
(سماجگل و همکاران ^۳ ، ۲۰۰۹)	کاربرد چارچوب تحلیل و توسعه نهادی (IAD) در چهار مطالعه موردی در استرالیا: (۱) تجزیه و تحلیل نهادی استراتژی منابع آب آلیس اسپرینگز، (۲) تغییر قوانین مربوط به تخصیص آب در منطقه کاترین دالی: مسائل و نتایج بالقوه، (۳) مشارکت در فرآیندهای برنامه‌ریزی آب: نمونه‌ای از دیامانتینا شایر و (۴) مشوق‌های مشارکت اجتماعی و تصمیم‌گیری در مورد استفاده از زمین در اتریچ شایر، کوئینزلند

منبع: یافته‌های پژوهش

در این بخش مقالات مرتبط با موضوع پژوهش در جدول ۳ ارائه گردیده است:

جدول (۳): پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسنده	سؤال اصلی	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
سنگ‌بر و همکاران ^۳ (۱۴۰۱)	هدف تحقیق حاضر شناسایی، ارزیابی و تحلیل توانمندسازی-هایی است که دستیابی به	روش فراترکیب و روش تئوری گراف و رویکرد ماتریس (GTMA)	بر اساس نتایج تحقیق توانمند سازهای مدیریت زنجیره تأمین پایدار در صنعت پتروشیمی به مؤلفه‌های مربوط به مدیریت شرکت‌ها، مدیریت زنجیره تأمین، استمرار و تداوم زنجیره تأمین، ویژگی‌های زنجیره تأمین، شراکت در زنجیره تأمین و کارکنان دسته‌بندی

¹ Qalipour (2015)

² Sharifzadeh & Sarmast Shushtari (2022)

³ Sangbor et al. (2022)

اهداف توسعه پایدار در زنجیره تأمین پتروشیمی را تسهیل می کند.		شد که مؤلفه های مربوط به استمرار و تداوم زنجیره تأمین در اولویت های اول برنامه ریزی در صنعت پتروشیمی به منظور دستیابی به پایداری قرار گرفت.
طراحی مدل برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی پایدار در صنعت پتروشیمی ایران بر اساس رویکرد آینده پژوهی	از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و آمیخته کمی و کیفی و از جهت روش اجرا از نوع تحقیقات توصیفی- پیمایشی	نتایج پژوهش حاکی از آن است که در طراحی مدل مدیریت منابع انسانی پایدار در صنعت پتروشیمی باید به چهار بعد درونداد، سازمان، فرآیند و برون داد مدیریت منابع انسانی پایدار توجه داشت. توجه به این مؤلفه ها از جهت آینده پژوهی بسیار مهم است.
ارزیابی موانع و محدودیت های فضای کسب و کار در صنعت پتروپالایشگاهی و راهکارهای بهبود آن در راستای تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت	تحلیل تماتیک مبتنی بر چارچوب تحلیلی استروم	نتایج پژوهش حاکی از آن است برای احداث و توسعه پتروپالایشگاه ها در کشور با هدف تکمیل زنجیره ارزش نفت، نیازمند اصلاح و تحول در قواعد و ساختارهای موجود حوزه پایین دستی نفت است از جمله رفع موانعی که با وجود آن ها سرمایه گذار بخش خصوصی توانایی ورود به این عرصه را ندارد. از طرفی دیگر خلأهای قانونی و ساختاری موجود، ایجاد می کند قواعد و ساختارهای جدیدی جهت دستیابی به هدف پژوهش نیز وضع شود.
ارائه الگوی مشارکت بخش دولتی- خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران	رویکرد آمیخته	ابعاد مدل مستخرج عبارتند از: هسته مشارکت (تعامل فراگیر)، شرایط زمینه ای مشارکت، شرایط علی مشارکت، شرایط مداخله گر مشارکت، راهبردهای مشارکت، پیامدهای مشارکت. این پژوهش در انتها مدل کاملی از نحوه شکل گیری این مشارکت ارائه نموده و آن را راهبردی مناسب برای اداره صنایع پایین دستی دانسته است.
تأثیر خصوصی سازی پتروشیمی بر صادرات این صنعت	داده های ترکیبی پویا	اثر منفی خصوصی سازی بر مقدار صادرات پلی اتیلن در ایران و تأثیر منفی مخارج مصرفی دولت بر سرمایه گذاری بخش خصوصی
بررسی اثر خصوصی سازی بر	تکنیک بای و پرون و روش MRS- GARCH	اثر مثبت خصوصی سازی بر: نقد شوندگی بازار به عنوان یکی از اصول توسعه یافتگی بازارها و

¹ Jahangir Fard et al. (2022)

² Fuladi (2022)

³ Sayad et al. (2019)

⁴ Varharami et al. (2018)

فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد / سال دهم / شماره ۱ / بهار ۱۴۰۲			
۲۵۷	عمق بازار سهام	تعمیق بازار سهام در ایران با تأکید بر نسبت نقد شوندگی	(۱۳۹۷)
اجرای ناقص، غیرعلمی و سیاست‌زده خصوصی‌سازی در ایران، سبب شده است که با وجود تلاش‌های بسیار، از مزایای آن برای کشور کاسته شده و مضرات آن نیز تشدید شود.	روش تحلیل مضمون	شناسایی موانع اجرای موفق خصوصی‌سازی در ایران	پوراحمدی و همکاران ^۲ (۱۳۹۷)
با ساخت روابط بلندمدت و اعتمادسازی با دیگر شرکا در زنجیره تأمین، شرکت‌ها امکان فهم بهتر نیاز مشتریان و پاسخ سریع‌تر به پویایی بازار و تحویل به موقع و افزایش اطمینان و هم‌زمان کاهش هزینه‌های اجرای فرایندها و تحقق سطح بالاتری از سود را خواهند داشت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که یکپارچگی پایین‌دستی و بالادستی تأثیر مثبت بر عملکرد کیفیت و برنامه‌های کیفیت دارد.	برای تحلیل داده‌ها و آزمون، از روش SEM استفاده می‌شود.	هدف این پژوهش بررسی تأثیر یکپارچگی بالادستی و پایین‌دستی بر عملکرد کیفیت و برنامه‌های کیفیت است.	مشایخی نظام آباد و عالم تبریز ^۳ (۱۳۹۵)
نتایج رویکرد پویایی سیستم نشان می‌دهد که تمامی جنبه‌های خصوصی‌سازی تأثیر یکسانی بر عملکرد شرکت ندارند. همچنین نتایج پژوهش حاضر به توسعه ادبیات پژوهشی در حوزه خصوصی‌سازی کمک می‌کند و رویکرد پیشنهادی مقاله می‌تواند به عنوان ابزاری در دست مدیران و مسئولان دولتی برای نشان دادن مکان و بر چه مبنایی به آن‌ها کمک کند: آن‌ها باید خصوصی‌سازی را شروع کنند.	systems dynamics and BWM technique	تحلیل سرمایه‌گذاری در خصوصی‌سازی شرکت ملی حفاری ایران	نصیرزاده و همکاران ^۴ (۲۰۲۱)
نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آمادگی و برنامه‌ریزی، مسیرهای ضمانت در به طور مثال تأمین مالی و... مهم‌ترین عوامل تاب‌آوری اقتصادی برای این پتروشیمی خاص هستند. مدلی که این پژوهش ارائه نموده است می‌تواند به مدیران پتروشیمی‌ها کمک کند تا در شرایط نا اطمینانی بتوانند تاب‌آوری شرکت خود را افزایش دهند.	Data Envelopment Analysis (DEA) model	مطالعه موردی یک کارخانه پتروشیمی از جهت بهینه‌سازی عملکرد سازمان با در نظر گرفتن عوامل تاب‌آوری اقتصادی در شرایط عدم قطعیت	پاشاپور و همکاران ^۵ (۲۰۱۹)
خصوصی‌سازی بهره‌وری چندعاملی (MFP) را ۴ تا ۱۰ درصد افزایش می‌دهد و تأثیر آن در	long panel data	برآوردهای جدیدی از تأثیر	

¹ Mohammadpour Zandi & Turkman Ahmadi (2017)

² Pourahmadi et al. (2017)

³ Mashayikhi Nizamabad & Alam Tabriz (2015)

⁴ Nasirzadeh et al. (2021)

⁵ Pashapour et al. (2019)

واکاوی خصوصی سازی صنایع پایین دستی نفت و گاز در ایران از منظر...			۲۵۸
طول زمان به حدود ۱۶ تا ۱۸ درصد در ۶ سال پس از خصوصی سازی افزایش می یابد.		بهره‌وری خصوصی سازی در اوکراین	برون و همکاران ^۱ (۲۰۱۹)
خصوصی سازی به طور مثبت بر بهره‌وری، اندازه و تصمیم یک شرکت برای صادرات تأثیر می گذارد، درحالی که متوجه شدیم که بر سطح بدهی بلندمدت شرکت تأثیر منفی می گذارد. شرکت های چینی زمانی که سطح بهره‌وری، اندازه شرکت یا سطح بدهی بلندمدت افزایش می یابد، احتمال بیشتری برای صادرات دارند. در مجموع، این دو مجموعه از نتایج نشان می دهند که خصوصی سازی به طور مثبت بر احتمال صادرات یک شرکت از طریق بهبود بهره‌وری و افزایش اندازه شرکت تأثیر می گذارد، درحالی که با کاهش سطح بدهی بلندمدت شرکت بر چنین احتمالی تأثیر منفی می گذارد.	firmlevel data for the Chinese manufacturing sector	آیا خصوصی سازی شرکت های دولتی چین احتمال صادرات را افزایش می دهد و اگر چنین است، چه عواملی را چنین تأثیری را ایجاد می کنند؟	تودو و همکاران ^۲ (۲۰۱۶)

منبع: یافته های پژوهش

پژوهش پیش رو درصدد شناسایی مؤلفه های چارچوب IAD برای کشف پیامدهای خصوصی سازی صنایع پایین دستی نفت و گاز در ایران پرداخته است که از جهت مسئله شناسی بدیع است و هیچ پژوهش پیشینی این پدیده اقتصادی را در صنایع پایین دستی نفت و گاز ایران از منظور چارچوب IAD بررسی ننموده است. ضرورت استفاده از این چارچوب در تحلیل های اقتصادی در بخش ۴ شرح داده شده است.

۳- روش تحقیق

۳-۱- گام اول: جمع آوری داده

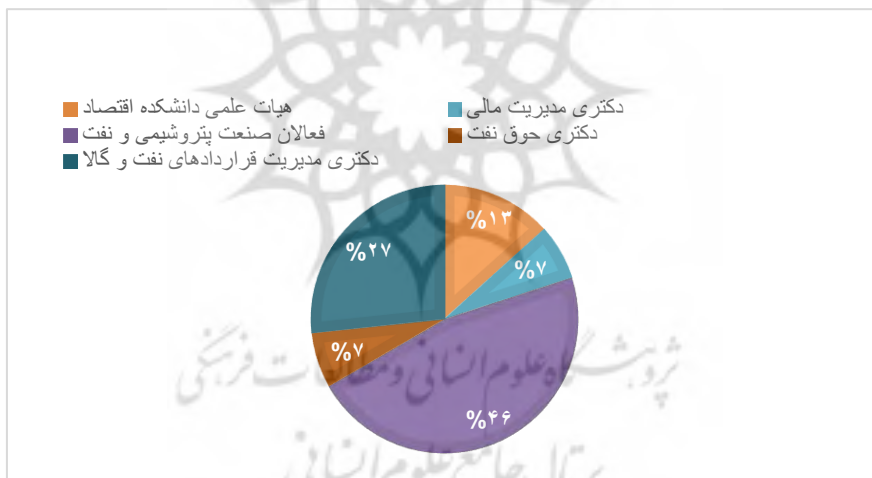
روش جمع آوری داده ها در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته است؛ به منظور آشنایی با ابعاد مسئله، در گام اول مسئله خصوصی سازی در آینه مقالات، اسناد و پژوهش های داخلی مورد بررسی جامع قرار گرفت. در گام دوم اخبار، یادداشت های سیاستی و مصاحبه های تخصصی مربوط به این حوزه در جست و جوی اینترنتی مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت ۷ سؤال متناسب با موضوع طراحی گردیده و از ۱۵ نفر از متخصصان مورد پرسش قرار داده شدند. تعداد مصاحبه ها بر اساس اشباع نظری تعیین شده است. از جایی که مصاحبه شوندگان مطالب اصولی جدیدی بیان نمودند،

¹ Brown et al.

² Todo et al.

تعداد مصاحبه‌ها روی ۱۵ مورد متوقف گردید. ترکیب مصاحبه‌شوندگان در شکل ۴ نشان داده شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نیز توسط نگارندگان انجام شده و از نرم‌افزار خاصی استفاده نشده است. روش انتخاب مصاحبه‌شوندگان غیر تصادفی بوده و بر اساس احراز نخبگی آنان در حوزه صنایع پایین‌دستی انجام گرفته شده است. افراد مورد مصاحبه حداقل ۲ مورد از ۵ مؤلفه زیر برخوردار بوده‌اند؛ به جز مؤلفه آخر که به تنهایی برای انتخاب مصاحبه‌شونده مکفی بوده است:

- ۱- دانش آموخته یا دانشجوی مقطع دکتری اقتصاد
- ۲- دانش آموخته مقطع دکتری مدیریت مالی
- ۳- دانش آموخته مقطع دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز
- ۴- پژوهش‌گر و صاحب مکتوبات علمی در حوزه حقوق یا اقتصاد نفت و گاز
- ۵- فعال صنایع پایین‌دستی یا بالادستی نفت و گاز



شکل (۱): ترکیب مصاحبه‌شوندگان در روش مصاحبه نیمه ساختاریافته

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲- گام دوم: تحلیل مضمون^۱

در این گام بر اساس روش تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام‌شده مورد واکاوی قرار گرفتند. برای کسب نتایج قابل‌اتکا از داده‌های کیفی لازم است که داده‌های به‌دست‌آمده

^۱ Thematic Analysis

به صورت روشمند تحلیل شود؛ اما متأسفانه ابزارهای تحلیلی اندکی در این حوزه وجود دارد (عابدی جعفری و همکاران^۱، ۱۳۹۰) روش تحلیل مضمون از جمله پرکاربردترین ابزارهای این حوزه است که در پژوهش‌های کیفی بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. روش تحلیل مضمون روشی است که با حرکت از جلو به عقب، مفاهیم کلان موجود در بین داده‌ها را کشف می‌کند و ارتباط بین مفاهیم جزئی موجود با مفاهیم کلان پنهان را مشخص می‌سازد. (هولویی و تدرس^۲، ۲۰۰۳) تحلیل مضمون از یک آزادی نظری برخوردار است؛ این آزادی نظری تحلیل مضمون را ابزاری انعطاف‌پذیر و مفید ساخته است که می‌تواند یک واکاوی غنی و دقیق و در عین حال پیچیده از داده‌ها ارائه نماید (براون و کلارک^۳، ۲۰۰۶) تحلیل مضمون جزء آن دسته از روش‌هایی است که در تحلیل داده‌های کیفی اساساً مستقل از یک پایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاص عمل می‌نماید؛ بنابراین می‌توان از آن در گستره وسیعی از پژوهش‌های مختلف استفاده نمود البته تحلیل مضمون بر دو روش قیاسی یا استقرایی صورت می‌پذیرد. در روش قیاسی، تحلیل مضامین استخراج شده بر مبنای یک نظریه پیشینی خواهد بود و دسته‌بندی‌ها بر مبنای آن انجام خواهد شد؛ اما در روش استقرایی، این پژوهشگر است که تحلیل و دسته‌بندی را بر مبنای یافته‌های شخصی خود انجام می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰) مقاله پیش رو با توجه به این مطلب که از نظریه پشتیبان چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم برخوردار بوده است، از رویکرد قیاسی استفاده کرده است. به منظور جلوگیری از اطاله متن، گام‌های این روش در جدول زیر نشان داده شده‌اند؛ شرح هر گام در بخش یافته‌های پژوهش به صورت عملیاتی نشان داده خواهد شد.

جدول (۱): مراحل روش تحلیل مضمون

گام	مرحله	
آشنا شدن با متن	تجزیه و توصیف متن	۱
کدگذاری		
شناخت مضامین		

^۱ Abedi Jafari et al. (2011)

^۲ Holloway & Todres

^۳ Braun & Clarke

۲	تشریح و تفسیر متن	ترسیم شبکه مضامین
۳	ترکیب و ادغام متن	تحلیل شبکه مضامین
		تدوین گزارش

منبع: عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰

۳-۲-۱- کاربست روش تحلیل مضمون

۳-۲-۱-۱- استخراج مضامین پایه

در این پژوهش در گام اول متون مستخرج از مصاحبه‌ها تجزیه شده و کدگذاری گردیدند. نهایتاً از حدود ۲۰۰ کد شکل گرفته، ۹۰ مضمون در گام دوم استخراج گردید که برای جلوگیری از اطاله متن، در جدول ۵ مثال‌هایی از کدها و مضامین مستخرج ارائه گردیده است:

جدول (۲): نمونه‌هایی از استخراج مضمون از کدها

کد	فیش	مضمون مستخرج
L14	از ویژگی‌های روش PE آن است که به صنایع بزرگ اختصاص دارد و از سوی دیگر، صنایع را از حالت سوددهی کم خارج کرده و به سوددهی بالاتر می‌رساند. این شاخصه نشان می‌دهد که می‌توان از این سازوکار برای پتروشیمی‌هایی که کمتر سودآور هستند استفاده نمود.	استفاده از PE برای تأمین مالی پتروشیمی‌ها
L25	ابزار تأمین مالی پروژه‌ای در دسته ابزارهای تأمین مالی ساختاریافته دسته‌بندی می‌شود که متأسفانه در ایران توسعه نظری کافی نداشته است. پژوهش‌های مختصری در این حوزه انجام شده است اما تاکنون به استفاده از این ابزار در حوزه پتروشیمی توجه علمی نگردیده است.	استفاده از ابزار تأمین مالی پروژه‌ای
L16	یکی از مهم‌ترین عواملی که دولت را به سمت واگذاری بنگاه‌های اقتصادی به بخش شبه‌دولتی سوق می‌دهد، بدهی‌های کلان دولت به این نهادهاست. مجلس شورای اسلامی برای به فکر راه چاره‌ای برای این بدهی‌ها باشد تا اموال دولتی از این طریق به دست غیرمتخصص سپرده نشوند.	تصویب قانون در مجلس در ممنوعیت رد دیون دولتی از مجرای واگذاری دارایی‌های دولتی
BP5	این یک مسئله مجرب است که گاهی سهام یک صنعت در اختیار بخش غیردولتی قرار می‌گیرد ولی مدیریت در دست دولت است. با توجه به اینکه صنایع نفتی همیشه حاشیه سود بالایی دارند، می‌توان این امر را در این صنعت اجرایی نمود.	ممنوعیت مدیریت اقتصادی توسط نهادهای عمومی غیردولتی و جواز سهام‌داری در شرکت‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۲- استخراج مضامین سازمان دهنده و فراگیر

در گام بعدی، مضامین سازمان دهنده در نسبت با مضامین فراگیر از مضامین پایه مستخرج گردیدند و دسته بندی شدند. همان طور که بیان گردید با توجه به اینکه این پژوهش از رویکرد قیاسی در روش تحلیل مضمون تبعیت می نماید، پژوهشگر سعی نموده است که مضامین سازمان دهنده را به نحوی انتخاب کند و دسته بندی به گونه ای باشد که مضامین فراگیر همان مؤلفه های چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم باشند. جدول ۶ مجموعه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر را نشان می دهد.

جدول (۳): جدول مضامین نهایی مبتنی چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
ولایت فقیه	سطح حاکمیتی	عرصه های کنش لایه تأسیسی
مجمع تشخیص مصلحت نظام		
مجلس شورای اسلامی		
دولت		
شورای نگهبان	سیاست گذاران مستقیم بخش پایین دستی نفت و گاز	عرصه های کنش لایه سیاستی
وزارت نفت		
سازمان برنامه و بودجه سازمان امور مالیاتی		
پتروشیمی ها	بازیگران مستقیم خصوصی سازی صنایع پایین دستی	عرصه های کنش لایه عملیاتی
وزارت صمت		
شرکت ملی صنایع پتروشیمی		
سازمان حفاظت محیط زیست		
شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی		
پتروپالایشگاه ها		
پالایشگاه ها		
نهادهای عمومی غیردولتی		
بخش خصوصی خارجی		
بازار سرمایه		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
عامه مردم		
هیئت واگذاری سازمان خصوصی سازی		
شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز		
نظام بانکی		
ضعف فرهنگ و سواد سرمایه گذاری	ضعف سرمایه گذاری عامه مردم	
سازوکار اقتصاد سیاسی ناسالم/ تعارض منافع	کژگزینی بازیگران سیاسی	ویژگی‌های اجتماع
عدم تخصص اعضای هیئت مدیره		
وجود جریانات عدالت طلب/ کارگری	عدالت طلبی	
حساسیت جامعه در برابر خصوصی سازی های ناعادلانه		
عدم توسعه ابزارهای بازار سرمایه		
محدودیت ظرفیت تضامین مالی		
هزینه بالای تامین سرمایه از بانک‌ها و بالا بودن نرخ بهره بانکی	نقص بازار سرمایه و بخش بانکی	
کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش در بخش بانکی		
عدم اتصال بازار سرمایه به بخش بین الملل		
بدهی دولت به نهادهای عمومی غیردولتی		
بزرگ بودن ابعاد مالی صنایع پایین دستی	ضرورت حضور نهادهای عمومی غیردولتی	شرایط بیوفیزیکی و مادی
عدم اعتماد فنی و اقتصادی به بخش خصوصی		
وجود جریانات ضد خصوصی سازی در کشور		
حضور خریداران غیرمتناسب		
تبانی های غیر سازنده در توزیع مالکیت	نواقص بخش خصوصی واقعی	
کم بودن توان مالی بخش خصوصی		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
کم بودن جریانات خصوصی متخصص از منظر فنی		
عدم ثبات قوانین و مقررات	نواقص قانونی و سیاست‌های کلان	
وجود تزلزل در سیاست گذاری‌های کلان صنایع پایین دستی		
تغییرات گسترده در سیاست‌های کلان با تغییر دولت‌ها		
ریسک نرخ ارز تورم بالا	نواقص بخش اقتصاد کلان	
اختلال در بودجه‌ریزی		
عدم امکان ترنسفر پول با بخش خارجی	تحریم اقتصادی	
کاهش امکان سرمایه‌گذاری خارجی		
تخریب وجهه اقتصادی کشور در دنیا		
وجود رانت در خوراک پتروشیمی	نواقص تنظیم نرخ خوراک	
عدم ثبات در نرخ خوراک در میان مدت		
کاهش کنترل دولت و ایجاد رانت در اثر ورود بخش شبه‌دولتی	پیامدهای حضور نهادهای عمومی غیردولتی	پیامد کلی
عدم امکان نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی		
عدم صحت مزیت‌سنجی در ایجاد پتروشیمی‌های جدید		
شکل‌گیری رقابت نابرابر بین بخش‌های خصوصی و شبه‌دولتی		
بالا رفتن تعارض منافع در اثر حضور نهادهای عمومی غیردولتی		
عدم وجود شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی		
عدم صحت مکان‌یابی در ایجاد پتروشیمی‌های جدید		
ایجاد پتروشیمی‌های جدید		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	
وجود انواع انحصارات و رانتهای دولتی و شبه‌دولتی			
کاهش بهره‌وری و توسعه در اثر ورود بخش شبه‌دولتی			
عدم توسعه فناوری به دلیل پایین بودن هزینه تولید	پیامدهای ناشی از عدم شکل‌گیری درست نرخ خوراک بعد از خصوصی‌سازی		
شکل‌گیری رانت			
عدم رشد بخش تحقیق و توسعه			
رقابت مخرب پتروشیمی‌های ایرانی در بازارهای جهانی	پیامدهای ناشی از خصوصی‌سازی مجزای هر واحد صنعت		
از بین رفتن زنجیره ارزش در کشور			
توسعه بخش پایین‌دستی	پیامدهای ناشی از خصوصی‌سازی واقعی		
مردمی‌سازی			
ایجاد رقابت			
افزایش انعطاف و سرعت در تصمیم‌سازی‌های این صنعت			
کاهش تصدی‌گری دولت			
افزایش بهره‌وری صنعت			
دسترسی بهتر به بازارها			
رشد درآمدها			
ارتقای شفافیت			
گسترش و تعمیق بازارهای سرمایه			
حاکمیت شرکتی بهتر			
تاثیر مستقیم دانش فنی یا مدیریتی			
افزایش عمق بازار سرمایه			
افزایش سطح مردمی‌سازی و مشارکت مردمی	پیامدهای ناشی از حضور صنایع پایین‌دستی نفتی در بازار سرمایه		
افزایش شفافیت بازار			
افزایش جذب سرمایه در صنعت پتروشیمی			
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی	سیاست‌های بالادستی	قواعد	
سند برنامه توسعه هفتم			
سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی			

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
قانون توسعه صنایع پتروشیمی	قوانین	
قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴		
قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی		
قانون حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه گذاری مردمی		

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲-۱-۳- تشکیل شبکه مضامین بر اساس چارچوب توسعه و تحلیل نهادی

استروم

در این بخش بخش‌های مختلف چارچوب نهادی استروم برای خصوصی سازی پتروشیمی‌ها در ایران توضیح داده خواهند شد و اثر و تأثیر این بخش‌ها مطابق الگوی استروم شرح داده می‌شوند. تمامی گزاره‌هایی که به پژوهش‌های دیگر ارجاع داده نشده‌اند، مستند به مصاحبه‌های انجام شده هستند.

• عوامل برون‌زا

شرایط مادی و بیوفیزیکی اولین بخش از عوامل برون‌زا هستند. در سطح جهانی صنعت پتروشیمی در تمامی کشورها به صورت کلی از عواملی مانند توسعه فناوری، تجمع زنجیره‌های تولید، اقتصاد مقیاس، اقتصاد تنوع، قیمت نفت خام، محیط زیست، توسعه شل‌های گازی، بهره‌برداری حداکثری از منابع زغال سنگ در چین و تولیدات منطقه‌ای تأثیر پذیرفته است (شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران^۱، ۱۳۹۹) اما در سطح داخلی، مهم‌ترین عامل از شرایط مادی و بیوفیزیکی که شرایط صنعت پتروشیمی را تحت تأثیر قرار داده، تحریم است. هرچند سرمایه‌گذاری در بخش‌های پایین دستی منجر به کاهش آسیب‌پذیری در شرایط تحریمی می‌شود (فریدزاد و همکاران^۲، ۱۴۰۰) اما تحریم اقتصادی هم مسیر سرمایه‌گذاری خارجی را پر از مانع نموده و هم به راهبردهای تجاری خدشه وارد نموده است. به‌نحوی که محدودیت در مشتریان خراجی موجب شده است

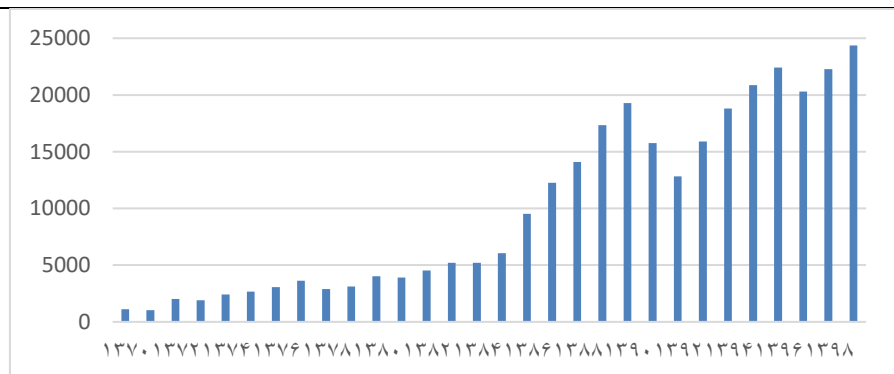
¹ Iran National Petrochemical Industries Company (2020)

² Faridzad et al. (2021)

زنجیره ارزش در این صنعت تکمیل نگردد و ساختار محصولات صنعت به تناسب تقاضای مشتریانی محدود شکل بگیرد. در نتیجه آسیب‌پذیری صنعت در برابر این مشتریان بسیار بالا رفته و وابستگی راهبردی ایجاد نموده است. محدودیت مشتریان راهبردی در نهایت به محدودیت تقاضا و محدودیت محصولات منجر می‌گردد. امروزه تمرکز صنعت بر متانول قرار گرفته است درحالی‌که می‌توان از متانول اوره را استخراج کرد و اوره در تولید کودهای شیمیایی و سایر کاربردهای صنعتی به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر تمرکز باید به تولید محصولات دیگری مانند آمونیاک یا مواد شیمیایی پُرارزشی مانند اتیلن و پروپیلن (اولفین‌های سبک)، بنزن، تولوئن و انواع زایلنها (آروماتیک‌ها یا بوی افزارهای بی تی ایکس) نیز تعلق بگیرد. (طیب^۱، ۱۳۹۹، به نقل از IEA)

در شکل ۴ می‌توان هم‌زمانی نوسانات صادرات پتروشیمی با رخ دادن پدیده خصوصی‌سازی و البته تحریم‌های اقتصادی را مشاهده نمود. در سال ۱۳۸۹ بعد از شروع موج خصوصی‌سازی‌ها و البته شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی، میزان صادرات محصولات پتروشیمی کاهش یافت و روند صعودی آن متوقف شد و از ۱۹۲۸۲ هزار تن در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۸۲۷ تن در سال ۱۳۹۲ رسید. اما با آغاز دولت یازدهم و بهبود شرایط سیاست خارجی در آن دوره، برای بار دیگر روند صعودی صادرات محصولات پتروشیمی آغاز شد و تا سال ۱۳۹۶ ادامه یافت. شکست پروژه برجام با شکست روند صعودی صادرات هم‌زمان گردید، اما روند صعودی از سال ۱۳۹۷ باز هم ادامه یافت. همان‌طور که مشخص است شرایط سیاسی و روابط بین‌الملل به عنوان یک شرایط مادی و بیوفیزیکی عمل نموده است و مشخص است که با محدود کردن گزینه‌های انتخاب، تصمیمات بازیگران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

^۱ Teyyeb (2020)



شکل (۲): صادرات محصولات پتروشیمی (هزار تن)

منبع: سایت رسمی بانک مرکزی^۱، ۱۴۰۱

نوسانات اقتصاد کلان عامل دیگری است که بر موفقیت خصوصی‌سازی در ۱۵ سال گذشته تأثیر داشته است؛ بالا بودن نوسانات نرخ ارز، نرخ تورم و سایر متغیرهای کلان باعث شده است که مشتریان خارجی و سرمایه‌گذاران توانایی برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ چراکه سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفتی، به دلیل بزرگ‌مقیاس بودن شرکت‌ها و بلندمدت بودن دوره بازدهی، نیازمند افق مشخص و پیش‌بینی اقتصادی است. این نوسانات امکان پیش‌بینی را از طرف‌های خارجی سلب نموده است. صنعت پتروشیمی ایران به منظور احیای مزیت‌های خود باید سرمایه‌گذاران خارجی را جذب نماید. مشارکت با طرف‌های خارجی نه تنها تأمین مالی پروژه‌ها را آسان خواهد نمود، بلکه در دسترسی به فناوری‌های روز، تجهیزات مدرن و افزایش بهره‌برداری از طرح‌ها نیز ارتقا پیدا خواهد کرد. سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند از خوراک ارزان‌قیمت بهره‌مند شوند و برای صادرات، مشوق‌های مالی در مناطق ویژه اقتصادی ماهشهر و عسلویه شامل حال آنان گردد و از دانش و تخصص نیروهای فنی داخلی نیز منتفع شوند (موسسه مکنزی^۲، ۱۳۹۵)

عدم ثبات در نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، عدم ثبات راهبردهای تجاری و عدم ثبات رویکرد دیپلماسی از جمله عوامل برون‌زایی هستند که هر لحظه مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران را تهدید می‌کنند. در کنار این موارد، عدم وجود ثبات در قواعد

^۱ CB (2022)

^۲ McKinsey (2016)

اجرایی نیز ریسک را بالا برده است؛ عدم ثبات قوانین و مقررات، وجود تزلزل در سیاست‌گذاری‌های کلان صنایع پایین‌دستی و تغییرات گسترده در سیاست‌های کلان با تغییر دولت‌ها امکان شکل‌گیری افق مشخص برای سرمایه‌گذاران را مخدوش نموده است.

یکی از موضوعات مهم در این بخش تأثیر بازار سرمایه و بازار بانکی بر این صنعت است. عدم توسعه ابزارهای بازار سرمایه، محدودیت ظرفیت تضامین مالی، هزینه بالای تأمین سرمایه از بانک‌ها و بالا بودن نرخ بهره بانکی، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش در بخش بانکی و عدم اتصال بازار سرمایه به بخش بین‌الملل محدودیت‌هایی هستند که سبب گردیده‌اند بخش خصوصی در ایران حضور کم رونقی در این صنعت داشته باشد. بزرگی مقیاس این صنایع ضرورت و حساسیت مسئله تأمین مالی را بالا برده است. این نکته باید در نظر گرفته شود که توسعه زنجیره ارزش و تکمیل حلقه‌ها باید از سیاست مشوق‌های مالی بهره‌مند باشد. اعطای مشوق‌های مالی بعد به منظور تشویق انواع خاصی از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها ضروری است (نصیری و همکاران^۱، ۱۳۹۶) از سوی دیگر با وجود تلاش برای خصوصی‌سازی این صنایع در سال‌های گذشته، عواملی از قبیل بدهی دولت به نهادهای عمومی غیردولتی، بزرگ بودن ابعاد مالی صنایع پایین‌دستی، عدم اعتماد فنی و اقتصادی به بخش خصوصی و وجود جریان‌های ضد خصوصی‌سازی در کشور دولت را ناگزیر از واگذاری این صنایع به «نهادهای عمومی غیردولتی» نموده است. در کل به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط مادی و بیوفیزیکی موجود، سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی ایران افقی مبهم و نامشخص دارد؛ بنابراین بخش خصوصی واقعی و سرمایه‌گذاران خارجی از این اقدام خودداری می‌نمایند و در نتیجه، هیچ‌گویی از افزایش نقش نهادهای عمومی غیردولتی وجود ندارد.

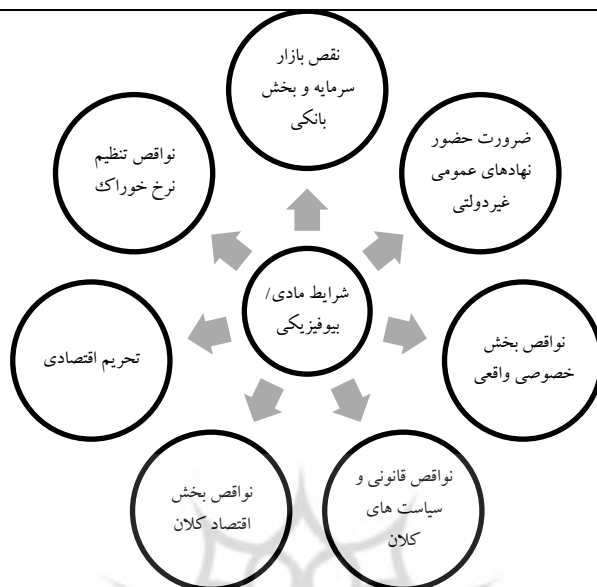
عامل برون‌زای دوم ویژگی‌های اجتماع است که پیش‌ازاین تعریف شد؛ سه شاخصه مهم در حوزه وجود دارد: ضعف رویکرد سرمایه‌گذاری عامه مردم، کژگزینی بازیگران سیاسی و عدالت‌طلبی. ضعف سواد و فرهنگ سرمایه‌گذاری عمومی و البته ضعف سازوکار و ابزارهای بازار سرمایه که پیش‌ازاین مورد اشاره قرار گرفت، عواملی هستند که در نهایت باعث می‌شوند جریان نقدینگی کشور به سمت تولید سوق پیدا نکنند و در نتیجه با

^۱ Nasiri et al. (2017)

ورود به سایر بازارها مانند مسکن، موج توری را تشدید کنند. عدالت‌طلبی و اعتراضات اجتماعی نیز از جمله تجربیات اجتماعی در ۱۵ ساله گذشته بودند که باید به عنوان یک متغیر مهم که بر نحوه خصوصی‌سازی مؤثر هستند، محسوب گردند. وجود این جریان‌ها در نهایت باید موجب افزایش حساسیت بازیگران حوزه خصوصی‌سازی گردد تا اهداف خصوصی‌سازی که در اسناد بالادستی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، محقق گردند.

عامل برون‌زای سوم نیز قواعد و قوانین حاکم بر این بخش هستند؛ اسناد بالادستی این حوزه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سند برنامه توسعه هفتم و سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستند که بر مضامین مهمی همچون توسعه خصوصی‌سازی، توسعه زنجیره ارزش، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، تأکید بر انتخاب مشتریان راهبردی و متنوع سازی محصولات و... تأکید دارند. به صورت کلی می‌توان گفت که محور همگی این قوانین، «افزایش تاب‌آوری صنعت پتروشیمی در برابر تکان‌های خارجی» مانند تحریم اقتصادی است. اهمیت اسناد بالادستی و خصوصاً برنامه‌های توسعه از این جهت است که این برنامه‌ها یکی از ابزارهایی هستند که به دلیل تأثیر بر مسیر قانون‌گذاری و برنامه‌های اجرایی، نقشی مهم در ریل‌گذاری کشور دارند. ارجاعات مداوم تصمیم‌سازان به قوانین برنامه توسعه در محافل سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، نشان از اهمیت ویژه این اسناد دارد (رضائی و همکاران^۱، ۱۴۰۱) در حوزه قوانین نیز می‌توان به قانون توسعه صنایع پتروشیمی، قانون حمایت از تولیدکننده داخلی، قانون حمایت از توسعه صنایع پایین‌دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی اشاره نمود که شرح مفاد آن‌ها از دستور کار این پژوهش خارج است. مشاهده می‌گردد که فرآیند شکل‌گیری بخش پایین‌دستی غیردولتی در ایران از مجموعه از عوامل برون‌زا متأثر است که بر آن آثار مثبت و منفی متعددی خواهند گذاشت. در پایان این پژوهش مجموعه اصلاحاتی به منظور افزایش آثار مثبت و از بین بردن آثار منفی این عوامل ارائه خواهد گردید. شکل ۵ مجموعه شرایط مادی و بیوفیزیکی را نشان داده است:

¹ Rezaee et al. (2022)

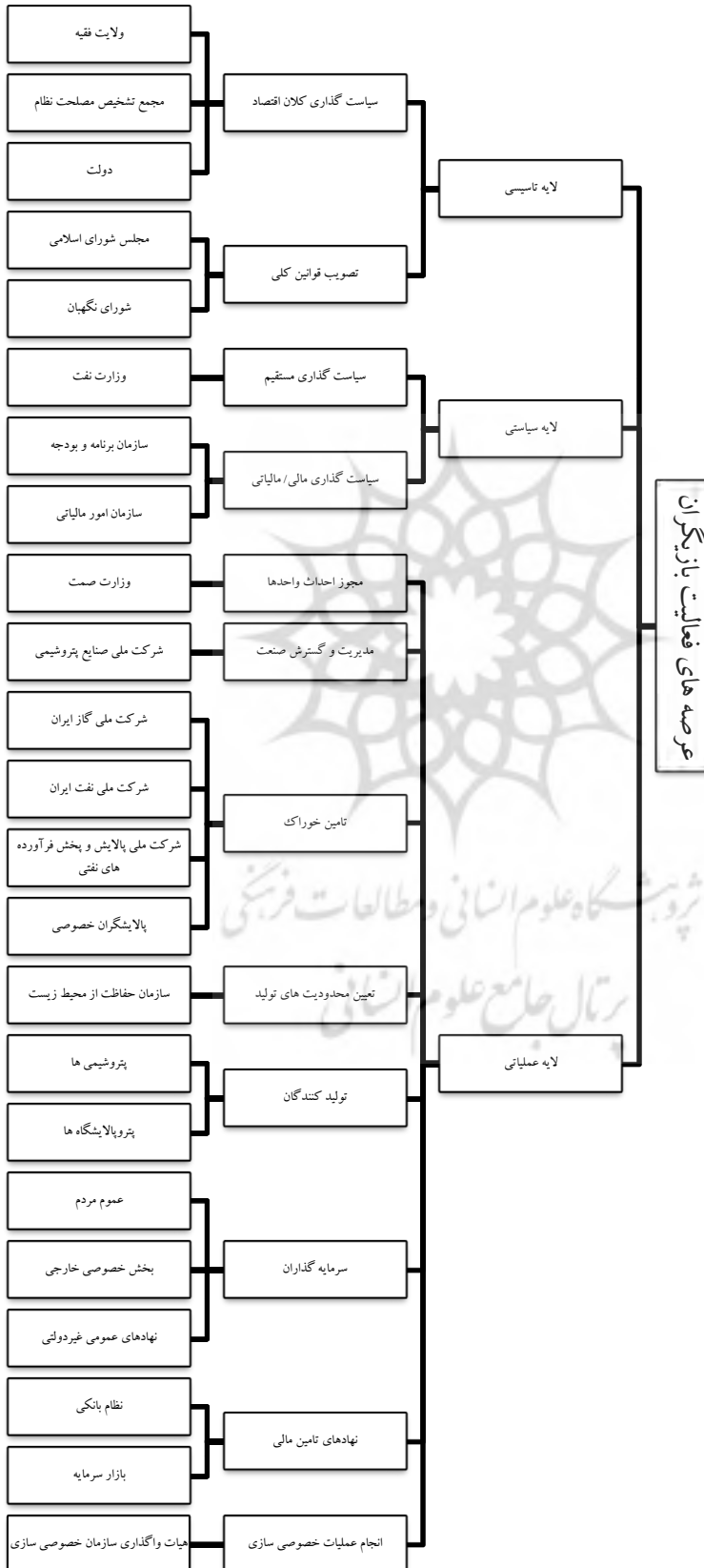


شکل (۳): شرایط مادی / بیوفیزیکی

منبع: یافته‌های پژوهش

• بازیگران

به صورت کلی طبقه‌بندی بازیگران این حوزه و عملکرد هر کدام را می‌توان در شکل زیر نشان داد؛ به منظور جلوگیری از اطاله متن، نحوه ارتباط هر کدام از بازیگران با صنعت در نمودار ۱ بیان گردیده است.



نمودار (۱): عرصه‌های کنش و بازیگران حوزه صنایع پایین‌دستی «خصوصی»

منبع: یافته‌های پژوهش و شکوهی و همکاران^۱، ۱۳۹۹

همان‌طور که در نمودار بالا برمی‌آید، مهم‌ترین نقیصه سازوکار نهادهای شکل‌گرفته را می‌توان در این مورد خلاصه کرد که: هیچ نهاد متمرکز و مقتدری برای تنظیم‌گری صنعت پتروشیمی وجود ندارد. تنظیم‌گری صنعت نیاز به یک نهاد متمرکز دارد که فعالیت‌های صنعت را پیگیری نموده و با اتخاذ تصمیمات مناسب، اهداف کلان مانند شکل‌گیری زنجیره ارزش را دنبال نماید. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که این نهاد می‌تواند دولتی یا ترکیب دولتی- خصوصی باشد اما ساختار انگیزه آن باید به نحوی شکل‌گرفته باشد که املا افراد تصمیم‌ساز به دنبال منافع ثانویه خود نباشند و ثانیاً راهبری این سازمان در قالب شرکت‌های خودگردان باشد که مسئول دخل و خرج خود بوده و انگیزه توسعه‌های سازمانی و تحقق اهداف سازمان را داشته باشند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۶) همچنین نهادهای تصمیم‌ساز و قاعده‌گذار (چه در سطح کلان و چه در سطح میانی) متعدد هستند و به همین دلیل، امکان سیاست‌گذاری متمرکز وجود ندارد و احتمال شکل‌گیری قوانین و قواعد متعارض افزایش پیدا کند.

• پیامدها

بررسی تجربه ۱۵ ساله شکل‌گیری صنایع پایین‌دستی خصوصی در ایران نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل موجود در پیامدهای شکل‌گرفته مؤثر هستند؛ به همین دلیل در این بخش بر اساس ارتباط بین پیامدها و عوامل، پیامدها به ۵ دسته تقسیم شده‌اند که در ادامه مختصراً مورد اشاره قرار می‌گیرند. اولین دسته از پیامدها در اثر حضور نهادهای عمومی غیردولتی شکل‌گرفته‌اند. به عقیده پژوهشگران و فعالان صنعت، حضور این نهادها باعث بروز مسائلی همچون کاهش کنترل دولت و ایجاد رانت در اثر ورود بخش شبه‌دولتی، عدم امکان نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی، عدم صحت مزیت‌سنجی در ایجاد پتروشیمی‌های جدید، شکل‌گیری رقابت نابرابر بین بخش‌های خصوصی و شبه‌دولتی، بالا رفتن امکان فساد در اثر حضور بخش شبه‌دولتی، عدم وجود شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی، عدم صحت مکان‌یابی در ایجاد پتروشیمی‌های

¹ Shokouhi et al. (2020)

جدید، وجود انواع انحصارات و رانت‌های دولتی و شبه‌دولتی و کاهش بهره‌وری گردیده است. بنابراین تجربه کشور در این حوزه ناموفق ارزیابی می‌گردد و برای سیاست‌گذاری‌های آتی لازم است که در این راهبرد بازبینی جدی صورت بگیرد.

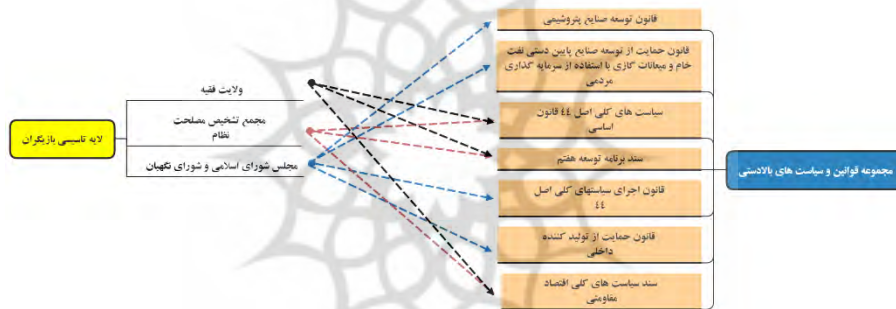
دسته دوم از پیامدها در اثر اختلال در مسیر تعیین نرخ خوراک بروز نموده‌اند. متان، اتان، پروپان، بوتان، نفتا، نفت سفید و نفت کوره اصلی‌ترین خوراک‌هایی هستند که در زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هر یک از این خوراک‌ها در حلقه اول زنجیره تولید مجتمع‌های پتروشیمیایی به محصولاتی از جمله متانول، آمونیاک، الفین‌ها و آروماتیک‌ها تبدیل می‌شوند (شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، ۱۳۹۹) عدم توسعه فناوری به دلیل پایین بودن هزینه تولید اولین پیامد وجود یارانه در نرخ خوراک است که در نهایت موجب کاهش بهره‌وری و شکل‌گیری رانت می‌شود. همچنین به دلیل وجود رانت و کاهش هزینه تولید، عدم رشد بخش تحقیق و توسعه احساس می‌گردد چراکه اولین عامل انگیزه دهنده برای رشد اقتصاد دانش‌بنیان، کاهش هزینه تولید است. دسته سوم به خصوصی‌سازی مجزای هر واحد برمی‌گردد. گروهی از منابع این پژوهش بر آن عقیده هستند که خصوصی‌سازی مجزای هر واحد یک راهبرد غلط بوده است که در نهایت به رقابت مخرب پتروشیمی‌های ایرانی در بازارهای جهانی و از بین رفتن زنجیره ارزش در کشور منتهی گردیده است. این دسته از منابع معتقد هستند که شکل‌گیری یک شخصیت حقوقی واحد از کل صنعت پتروشیمی و واگذاری مالکیت این شخصیت حقوقی تنظیم‌گری صنعت را آسان‌تر می‌نماید و شکل‌گیری زنجیره ارزش موفق‌تر خواهد بود.

دسته چهارم از پیامدها در اثر خصوصی‌سازی واقعی، یعنی انتقال مالکیت به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی استفاده از ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه شکل خواهند گرفت. توسعه بخش پایین‌دستی، مردمی‌سازی، ایجاد رقابت، افزایش انعطاف و سرعت در تصمیم‌سازی‌های این صنعت، کاهش تصدی‌گری دولت، افزایش بهره‌وری صنعت، دسترسی بهتر به بازارها، رشد درآمدها، گسترش و تعمیق بازارهای سرمایه، حاکمیت شرکتی بهتر و تأثیر مستقیم دانش فنی یا مدیریتی از جمله این پیامدها هستند. دسته پنجم نیز که مرتبط با دسته چهارم است، آثار افزایش حضور بازار سرمایه

را نشان می‌دهند؛ آثاری مانند: افزایش عمق بازار سرمایه، افزایش سطح، مردمی سازی و مشارکت مردمی و افزایش شفافیت بازار.

• طرح کلی شبکه مضامین

شرح شبکه مضامین را از تأثیرگذاری بازیگران تأسیسی بر شکل‌گیری قواعد آغاز می‌کنیم و در ادامه پیامدها را تبیین می‌نماییم؛ تمامی مطالب موجود در این بخش نیاز به مجالات مفصلی برای شرح و تبیین دارند اما به دلیل محدودیت مجال کنونی، به اهم مطالب اکتفا می‌گردد. یک نکته مقدماتی در این لایه آن است که بازیگران تأسیسی در این مدل تحت تأثیر قواعد و قوانین نیستند؛ بلکه چنانکه در شکل ۶ نشان داده شده است، سازنده و قاعده گذار هستند. این تنها تفاوت ساختار حقوقی ایران با پیش‌فرض‌های مدل IAD است.



شکل (۴): تأثیرگذاری متفاوت بازیگران لایه تأسیسی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷ نحوه تأثیرگذاری بازیگران لایه تأسیسی بر شکل‌گیری قواعد در ایران را نشان می‌دهد:

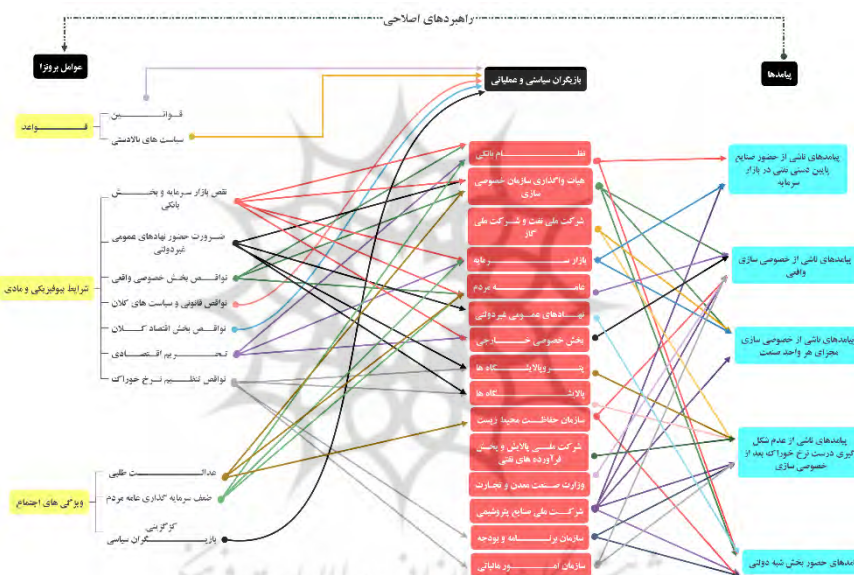
جدول (۴): نحوه شکل‌گیری قواعد در جمهوری اسلامی ایران

مسئولیت	نهاد مسئول	اصل قانون اساسی
۱	مجلس شورای اسلامی	۵۲، ۵۸، ۶۵، ۷۱، ۷۳
۲	ولی فقیه/ مجمع تشخیص مصلحت	۱۱۰

مسئولیت	نهاد مسئول	اصل قانون اساسی
مجمع تشخیص مصلحت نظام	نظام	

منبع: سند قانون اساسی، ۱۳۶۸

بعد از مشخص شدن جایگاه بازیگران لایه تأسیسی در مدل، لازم است شبکه مضامین به صورت کلی شرح داده شود. شکل ۷ به صورت کلی نمای شماتیک تعاملات شبکه مضامین IAD مستخرج را نشان می دهد.



شکل (۵): شبکه مضامین مستخرج بر اساس چارچوب IAD

منبع: یافته‌های پژوهش

شرح جزء به جزء روابط آشکار شده در شکل ۷ در این مجال نمی گنجد. اما به صورت کلی می توان به مهم ترین مؤلفه هایی که در شکل گیری پیامدهای خصوصی سازی مؤثر بوده اند اشاره نمود. از این جهت نکات زیر که همگی مستند به مصاحبه های انجام شده هستند، در جمع بندی تجربه خصوصی سازی ایران ارائه می گردند.

قوانین متعددی مانند قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ بر مسئله خصوصی سازی و کاهش نقش بخش نهادهای عمومی غیردولتی تأکید داشته اند. اما موانعی باعث گردیده اند که این مسیر به صورت کامل محقق نشود و این مسئله در پیامدهای ناشی از

خصوصی‌سازی منعکس گردیده است. مهم‌ترین عامل حضور پررنگ نهادهای عمومی غیردولتی است. همچنین نواقص بازار سرمایه و اندک بودن عمق آن و نواقص مربوط به بخش بانکی، زمینه حضور نهادهای عمومی غیردولتی را فراهم کرده‌اند و در نتیجه سهم بخش خصوصی واقعی اندک گشته است. بی‌شک نمی‌توان از نقش تعارض منافع نیز چشم‌پوشی کرد که در قالب مؤلفه «کژگزینی بازیگران سیاسی» انعکاس داده شده است. امروز یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های موجود در این صنعت نقش‌آفرینی غیرقانونی (بر اساس ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) این نهادها است. به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد که:

❖ قوه قضاییه مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی به وظیفه خود نسبت به حس اجرای ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بپردازد و سهم نهادهای عمومی غیردولتی از صنعت پتروشیمی را مطابق قانون به ۴۰٪ برساند. مطابق قانون مذکور نهاد عمومی غیردولتی حتی در یک بنگاه اقتصادی منفرد نیز حق ندارد که بیش از ۴۰٪ سهم داشته باشند.

بررسی تجربه خصوصی‌سازی در صنایع پایین‌دستی نشان می‌دهد که در ابعاد محدودی خصوصی‌سازی واقعی و انتقال به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی صورت گرفته است و این مسئله ریشه در قوانین مورد اشاره در بخش قبلی دارد. از سوی دیگر تحریم اقتصادی و عدم ثبات شرایط اقتصادی کشور امکان حضور سرمایه‌گذاران خارجی را سلب نموده است. در راستای توسعه این بخش لازم است که راهبردهای زیر اجرایی گردند:

❖ ابزارهای بازار سرمایه به تناسب صنایع بزرگ توسعه پیدا کنند. ابزارهایی مانند private equity و صندوق پروژه در جهان برای صنایع بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

❖ تلاش برای رفع تحریم‌های اقتصادی یا تشکیل بازار سرمایه منطقه‌ای با حضور کشورهای آسیایی و مسلمان مانند چین، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی می‌تواند منجر به افزایش عمق بازار سرمایه گشته و سطح نقش‌آفرینی بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهد.

❖ تشکیل زنجیره ارزش منطقه‌ای می‌تواند سطح سرمایه‌گذاری خارجی و مردمی سازی را افزایش دهد. اگر زنجیره ارزش در کشورهای منطقه و آسیا یکپارچه گردد، ضریب تأثیر تحریم اقتصادی نیز کاهش یافته و آثار منفی آن اندک خواهد شد.

❖ افزایش ثبات رویکردهای حکومت در قبال صنایع پایین‌دستی و عدم تزلزل آن‌ها در دولت‌ها و مجلس‌های مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از تجربه‌های ناموفق خصوصی‌سازی در بخش پایین‌دستی در صنعت پتروشیمی تجربه شده است. ویژگی این خصوصی‌سازی، خصوصی‌سازی مجزای هر واحد تولیدی است. این نحوه از خصوصی‌سازی باعث شده است که (الف) در بخش دیپلماسی تجاری رقابت مخرب و بازارشکنی^۱ صورت بگیرد و از سوی دیگر (ب) زنجیره ارزش شکسته شود. زنجیره موجود در این صنعت در سازوکار دولتی شکل گرفته بوده است و خصوصی‌سازی بدون در نظر گرفتن دوران انتقال باعث شده است که برخی از واحد غیراقتصادی باشند. نکته مهم آن است که با توجه به بند ۱۵ اقتصاد مقاومتی لازم است که زنجیره ارزش به منظور افزایش تاب‌آوری اقتصادی در شرایط تحریمی، توسعه پیدا کند. بنابراین فارغ از اصول حکمرانی بازار^۲ در طراحی صنعت پتروشیمی، به تشکیل زنجیره ارزش توجه بیشتری گردد. بنابراین یک راه حل آن است که:

❖ صنعت پتروشیمی به صورت یکپارچه در ملکیت شرکت صنایع پتروشیمی قرار گیرد و این شرکت خصوصی‌سازی گردد. اداره منسجم صنعت (الف) رقابت مخرب در دیپلماسی تجاری را کاهش می‌دهد، (ب) امکان توسعه زنجیره ارزش را در راستای تحقق بند ۱۵ اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند، (ج) تاب-آوری اقتصادی را افزایش می‌دهد و (د) مشکلات قیمت‌گذاری را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از مشکلات خصوصی‌سازی بخش پایین‌دستی بروز بحران در قیمت‌گذاری نرخ خوراک است. سرمایه‌گذاران نسبت به نرخ خوراک حساس هستند. (وکیلی فرد و همکاران،^۳ ۱۳۹۲) نرخ خوراک دچار نوسان است و همین امر موجب شده است که

^۱ Dumping

^۲ Market Governance

^۳ Vakili Fard et al. (2013)

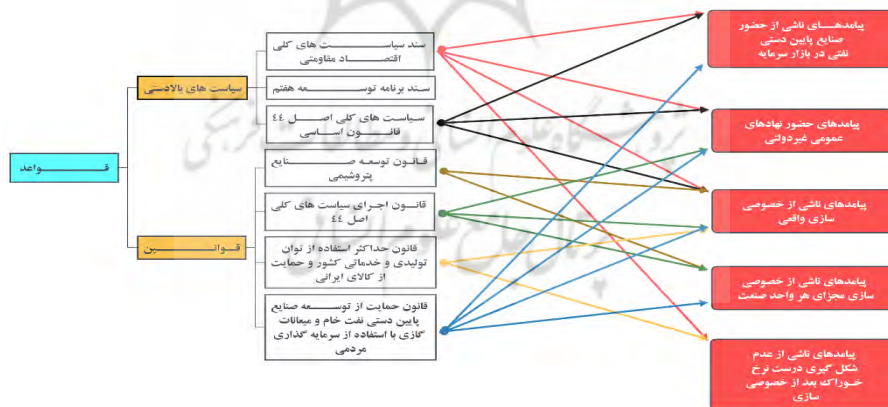
سرمایه‌گذاران نتوانند پیش‌بینی درستی از آینده سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی داشته باشند و در نتیجه ریسک سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کرده است (آتش سوز و همکاران^۱، ۱۳۹۴) همچنین واقعی نبودن نرخ خوراک باعث شده است که بخش‌هایی از صنعت به صورت غیراقتصادی رشد کند. این مسئله با توجه به بلندمدت بودن افق سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ شدت پیدا می‌نماید. بنابراین لازم است که:

❖ با توجه به اهداف کلان سیاستی و حفظ حیات صنعت، نرخ خوراک در میان‌مدت تثبیت گردد. همچنین نرخ دلاری مربوط به نرخ خوراک نیز در میان‌مدت متغیر است که باید به یک لنگر بازاری یا لنگر اسمی ثابت متصل گردد.

مالیات یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری دولت‌ها است (لعل خضری و شیرزور علی آبادی^۲، ۱۴۰۱) به همین دلیل می‌توان در راستای توسعه زنجیره ارزش و تنظیم‌گری بهینه و تحقق اهداف مندرج در سند اقتصاد مقاومتی:

❖ ابزار مالیات بر صادرات محصولات پتروشیمی یا یارانه خوراک به گونه‌ای داده شود تا تاب‌آوری صنعت در شرایط تحریمی مورد تضمین باشد.

شکل ۸ صورت کلی اثرگذاری قوانین و سیاست‌های کلی در رخ دادن پیامدها را به تصویر کشیده است.



شکل (۶): صورت کلی اثرگذاری قواعد بر پیامدها

منبع: یافته‌های پژوهش

¹ AtashSouz et al. (2014)

² La'1 Khezri & Shirzor Aliabadi (2022)

۴- نتیجه‌گیری

خصوصی‌سازی به معنای واگذاری مالکیت شرکت‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی است. البته در ایران واگذاری مالکیت به بخش‌های شبه‌دولتی نیز در لایه خصوصی‌سازی طبقه‌بندی می‌شود. مجموعه‌ای متقاعدکننده از شواهد انباشته نشان می‌دهد که شرکت‌های دولتی در بخش قابل‌توجهی از عملکردهای مربوط به شرکت‌های خصوصی، ضعیف عمل می‌کنند. کارکنان مازاد شرکت‌ها، سیاست‌های حمایتی و تحمیل اجباری سیاسی اهداف استراتژیک به شرکت‌ها به‌غیراز آسیب زدن به سود، منجر به ناکارآمدی فزاینده در سطح شرکت شد. تغییرات عظیم فناورانه، بدهی‌های عمومی رو به رشد، جهانی‌شدن، شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اروپا، و گسترش ایده‌های نئولیبرالی، که حداقل با فروپاشی اقتصادهای فرماندهی در اروپای شرقی تقویت شده است، بازسازی بخش عمومی را نیز تسریع کرده است. در کشور ایران مسیر مالکیت دولتی در حوزه بخش پایین‌دستی نفت و گاز تجربه شده است. بخش پایین‌دستی در ایران هنوز به ظرفیتی نرسیده است که درصد بالاتری از نفت تولیدشده در کشور را به محصولات موجود در زنجیره ارزش نفت تبدیل کند. توسعه بخش پایین‌دستی برای مقابله با خام‌فروشی و ایجاد ارزش‌افزوده یک اولویت جدی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید بوده است. تمامی صنایع پایین‌دستی و بالادستی نفت و گاز کشور تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دولتی بودند. سند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ صراحتاً خصوصی‌سازی صنایع بزرگ و صنایع مادر از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز را مجاز اعلام نمود. در این پژوهش برای شکل‌دهی ساختار نهادی خصوصی‌سازی صنایع پایین‌دستی از چارچوب توسعه و تحلیل نهادی استروم استفاده شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود که (الف) چه عوامل برون‌زایی بر خصوصی‌سازی صنایع پایین‌دستی و عملکرد شرکت‌های غیردولتی مؤثر هستند؟ (ب) بازیگران موجود در این صنعت و فرآیند فعالیت شرکت‌های غیردولتی و فرآیند خصوصی‌سازی چه نهادهایی هستند و هرکدام چه فعالیتی می‌نمایند؟ (ج) مجموعه عوامل برون‌زا و ساختار نهادی بازیگران چه پیامدهایی را ایجاد نموده است؟ عوامل برون‌زا به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول ویژگی‌های اجتماع است که عبارت‌اند از: ضعف رویکرد سرمایه‌گذاری عامه مردم، کژگزینی بازیگران سیاسی و عدالت‌طلبی. شرایط مادی/ بیولوژیکی عامل برون‌زای دوم است که از این موارد تشکیل می‌گردد: نقص بازار سرمایه و بخش بانکی، ضرورت حضور نهادهای عمومی غیردولتی، نواقص

بخش خصوصی واقعی، نواقص قانونی و سیاست‌های کلان، نواقص بخش اقتصاد کلان، تحریم اقتصادی و نواقص تنظیم نرخ خوراک. عامل برون‌زای سوم نیز قواعد، قوانین و اسناد بالادستی کشور هستند. در حوزه بازیگران، ۲۱ نهاد عمده شناسایی شدند که در سه لایه تأسیسی، سیاستی و عملیاتی فعالیت می‌کنند و هرکدام وظایف خاصی از سیاست‌گذاری کلان، سیاست‌گذاری بخشی و مستقیم، تأمین خوراک، مدیریت و توسعه و ... را انجام می‌دهند. بررسی تجربه ۱۵ ساله شکل‌گیری صنایع پایین‌دستی خصوصی در ایران نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل موجود در پیامدهای شکل‌گرفته مؤثر هستند؛ به همین دلیل در این بخش بر اساس ارتباط بین پیامدها و عوامل، پیامدها به ۵ دسته تقسیم‌شده‌اند: پیامدهای حضور بخش شبه‌دولتی، پیامدهای ناشی از عدم شکل‌گیری درست نرخ خوراک بعد از خصوصی‌سازی، پیامدهای ناشی از خصوصی‌سازی مجزای هر واحد صنعت، پیامدهای ناشی از حضور صنایع پایین‌دستی نفتی در بازار سرمایه و پیامدهای ناشی از خصوصی‌سازی واقعی. در کل ساختار تحلیل نهادی استروم نشان می‌دهد که تجربه خصوصی‌سازی در دو دهه گذشته نتوانسته به اهداف از پیش تعیین‌شده خود در سند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برسد و مهم‌ترین موانع آن، تحریم اقتصادی، عدم توسعه سازوکارهای مردمی سازی مانند تعاونی و بازار سرمایه، عدم امکان حضور بخش خارجی، حضور نهادهای عمومی غیردولتی و عدم عمل به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است. به صورت کلی لازم است که در این صنعت در عین توجه به خصوصی‌سازی و افزایش مردمی سازی، به نحوی حکمرانی بازار را امثال کرد که تاب‌آوری اقتصادی در شرایط تحریمی مورد خدشه واقع نگردد. در این مسیر توجه به افزایش سرمایه‌گذاری کشورهای اسلامی و آسیایی از ضریب اهمیت بالایی برخوردار است.

تقدیر و تشکر

از کلیه کارشناسان محترم که در مسیر گردآوری داده‌ها همراهی و همکاری نمودند تشکر می‌گردد.

تضاد منافع

نویسندگان نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

۱. آتش سوز، علی، فیضی، کامران، کزازی، ابوالفضل و الفت، لعیا (۱۳۹۴). مدلی برای روابط ریسک‌های زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی در ایران. مدیریت صنعتی (دانشگاه تهران)، ۱۸(۷)، ۴۲۴-۴۰۵.
۲. آذر، عادل، قلی پور، رحمت اله، الوانی، سیدمهدی، کمیجانی، اکبر و محمدی اسفندیار (۱۳۹۰). طراحی مدل جامع خصوصی سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی در ایران با رویکرد خط مشی‌گذاری: صنعت پتروشیمی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۵(۴ (پیاپی ۷۳))، ۴۹-۲۹.
۳. آرشیو مصوبات هیات واگذاری سازمان خصوصی سازی. (۱۴۰۱). بازیابی ۱۳ مهر ۲۰۲۲، از آرشیو-مصوبات-هیات-واگذاری-سال‌های-قبل <https://ipo.ir/>
۴. استروم، الینور (۱۳۹۴). فهم تنوع نهادی. (سید جمال الدین محسنی زنوری، مترجم) (ج ۱-۱). تهران - ایران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. پوراحمدی، معین، مختاریان پور، مجید و حسنقلی پور یاسوری، طهمورث (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی سازی در ایران. مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، ۳۵(۱۰)، ۳۵۶-۳۳۳.
۶. جهانگیرفرد، مجید، صحرانورد، علیرضا، مهدیزاده اشرفی، علی و مجیبی، تورج. (۱۴۰۱). طراحی مدل مدیریت منطقه ای منابع انسانی پایدار در صنعت پتروشیمی ایران با رویکرد آینده پژوهی. جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۵۴(۱۲)، ۳۸۷-۳۶۵.
۷. رضائی، محمدجواد، باراحمدی، محمد و صالحی، امیرحسین (۱۴۰۱). بررسی برنامه ششم توسعه بر مبنای گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی پیرامون پیشرفت روستایی، پیشنهادهایی برای تدوین سند برنامه هفتم توسعه. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۰(۳)، ۵۰۷-۴۷۶.
۸. سایت رسمی بانک مرکزی. (۱۴۰۱). داده‌های بانک مرکزی. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۹. سند قانون اساسی. قانون اساسی. (۱۳۶۸).
۱۰. سنگبر، محمدعلی، صافی، محمدرضا، آذر، عادل و ربیعه، مسعود (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت بندی توانمندسازهای مدیریت زنجیره تامین پایدار در صنعت

- پتروشیمی با رویکرد ترکیبی «فرا ترکیب» و «نظریه گراف‌ها و رویکرد ماتریسی». *مطالعات مدیریت صنعتی*، (۶۴)، ۱-۳۴.
۱۱. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. (۱۳۸۴).
۱۲. شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران (۱۳۹۹). *کتاب سال صنعت پتروشیمی ایران (۱۳۹۹)*. تهران: شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران.
۱۳. شریف زاده، محمدجواد و سرمست شوشتری، مهدی (۱۴۰۱). تحلیل نهادی استقرار نظام مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی در ایران (با استفاده از چارچوب توسعه و تحلیل نهادی). *مجلس و راهبرد*، (۱۱۰)، ۹۰-۶۱.
۱۴. شکوهی، محمدرضا، محتشمی‌پور، رضا و حسینی مهر، سید حمیدرضا (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های صنعت پتروشیمی ایران در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، (۱۰۲)، ۳۳۰-۲۹۵.
۱۵. صیاد شیرکش، سعید، فایض، سمانه و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۹). ارائه الگوی مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، (۱۳)۵۰، ۳۴-۵۶.
۱۶. طیب، حسین (۱۳۹۹). *راهبرد ملی صادرات ۱۴۰۰-۱۴۰۴*؛ راهبرد بخش پتروشیمی؛ تکیه بر دارایی‌های طبیعی و نقاط قوت صنعتی ایران برای تأمین بازارهای جهانی. سازمان توسعه تجارت ایران.
۱۷. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، (۲)۵ (پیاپی ۱۰)، ۱۹۸-۱۵۱.
۱۸. فریدزاد، علی، بانوئی، علی اصغر و گودرزی، مهسا (۱۴۰۰). سنجش آسیب‌پذیری بخش‌های اقتصادی ایران ناشی از تحریم صادرات نفت خام: محاسبه یک شاخص ترکیبی مبتنی بر الگوی داده-ستانده. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، (۲)۸، ۷۴-۳۵.
۱۹. فولادی، سعید (۱۴۰۱). *ارزیابی موانع و محدودیت‌های فضای کسب‌وکار در صنعت پتروپالایشگاهی و راهکارهای بهبود آن در راستای تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت*

مبتنی بر بند پانزدهم اقتصاد مقاومتی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۰. قلی پور، حسین (۱۳۹۵). فهم چالش های تحول علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد نهادی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۱. لعل خضری، حمید و شیرزور علی آبادی، زهرا (۱۴۰۱). نقش دولت در مبادله نابرابری درآمد رشد اقتصادی: رویکرد - خودرگرسیون برداری بیزین. فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، ۹(۴)، ۱۹۲-۱۶۱.

۲۲. محمدپورزندی، محمد ابراهیم و ترکمان احمدی، معصومه (۱۳۹۷). نقش اجرای خصوصی سازی در اقتصاد ایران بر تعمیق بازار سهام (با تاکید بر نسبت نقدشوندگی). مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۳۵(۹)، ۷۵-۵۱.

۲۳. مشایخی نظام آباد، المیرا و عالم تبریز، اکبر (۱۳۹۵). تاثیر یکپارچگی بالادستی و پایین دستی زنجیره تامین بر عملکرد و برنامه کیفیت. چشم انداز مدیریت صنعتی، ۲۴(۶)، ۵۷-۳۷.

۲۴. موسسه مکنزی (۱۳۹۵). ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟ در حوزه صنعت پتروشیمی (ش. ۳۱۰۱۵۱۰۴). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۲۵. نصیری، فرحناز، آقایی، آزاده و میرجلیلی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه توسعه زنجیره ارزش در صنعت پتروشیمی؛ مطالعه موردی کشور سنگاپور (ش. ۱۵۶۳۱). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۲۶. ورهرامی، ویدا، درگاهی، حسن و بیرانوند، فرانک (۱۳۹۷). تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد صادراتی شرکت های پتروشیمی ایران (مطالعه موردی: صادرات پلی اتیلن). اقتصاد و الگوسازی (اقتصاد)، ۹(۲)، ۱۲۴-۱۰۱.

۲۷. وکیلی فرد، حمید رضا، فروغ نژاد، حیدر و خوشنود، مهدی (۱۳۹۲). ارزیابی رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران با روش فرایند تحلیل شبکه ای. مدیریت دارایی و تامین مالی، ۲(۱)، ۳۴-۱۹.

1. Abdi Jafari, H, Taslimi, M. S., Faqihi, A. H., & Sheikh Zadeh, M. (2011). Theme analysis and theme network: a simple and efficient method to explain patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought (Management Thought)*, 5(2 (series 10)), 151-198 (In Persian).

2. Archive of approvals of the Privatization Organization's Allocation Board. (2022). Retrieved on October 13, 2022, from <https://ipo.ir/-Arshio-Mosovat-Hiat-Vazhedi---Salhai-Qebul> (In Persian).
3. Atash souz, A., Faizi, K., Kezazi, A., & Olfat, L. (2015). A model for risk relationships in the supply chain of the petrochemical industry in Iran. *Industrial Management (Tehran University)*, 18(7), 405-424. (In Persian)
4. Azar, A., Qolipour, R., Alwani, S. M., Komijani, A., & Mohammadi, E. (2011). Designing a comprehensive model of privatization and transfer of state-owned enterprises in Iran with a policy-making approach: petrochemical industry. *Management researches in Iran*, 15(4 (serial 73)), 29-49 (In Persian).
5. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
6. Brown, J. D., Earle, J. S., Shpak, S., & Vakhitov, V. (2019). Is privatization working in Ukraine? New estimates from comprehensive manufacturing firm data, 1989–2013. *Comparative Economic Studies*, 61, 1-35.
7. Constitutional document. Constitution. (1989). (In Persian)
8. Faridzad, A., Banoui, A. A., & Guderzi, M. (2021). Measuring the vulnerability of Iran's economic sectors due to the crude oil export embargo: calculating a composite index based on the data-output model. *Quarterly Journal of Applied Economic Theories*, 8(2), 35-74 (In Persian).
9. Fouladi, S. (2022). *Evaluating the barriers and limitations of the business environment in the petrochemical industry and its improvement solutions in order to complete the value-added chain of oil based on the 15th point of resistance economy*. Master's thesis, Imam Sadiq University (peace be upon him) (In Persian).
10. General policies of Article 44 of the Constitution. (2005) (In Persian).
11. Holloway, I., & Todres, L. (2003). The status of method: flexibility, consistency and coherence. *Qualitative research*, 3(3), 345-357.
12. Jahangirfard, M., Sahanavard, A. R., Mahdizadeh Ashrafi, A., & Mujibi, T. (2022). Designing a sustainable human resources regional management model in Iran's petrochemical industry with a future research approach. *Geography (Regional Planning)*, 54(12), 365-387 (In Persian).
13. La'l Khazri, H., & Shirzor Aliabadi, Z. (2022). The role of the government in the exchange of income inequality and economic growth: Bayesian vector autoregression approach. *Quarterly Journal of Applied Economic Theories*, 9(4), 161-192 (In Persian).
14. Mackenzie Institute. (2016). Iran: One trillion dollar growth opportunity? in the field of petrochemical industry (No. 31015104). Tehran: Islamic Council Research Center (In Persian).

15. Laguna, N. M. (2004). Oil policies and privatization strategies in Mexico: implications for the petrochemical sector and its production spaces. *Energy Policy*, 32(18), 2035-2047.
16. Mashayekhi Nizamabad, E., & Alem Tabriz, A. (2016). The effect of upstream and downstream supply chain integration on performance and quality program. *Industrial Management Perspectives*, 24(6), 37-57 (In Persian).
17. Mohammadpour Zandi, M. E., & Turkman Ahmadi, M. (2017). The role of privatization implementation in Iran's economy on stock market deepening (with emphasis on liquidity ratio). *Financial Engineering and Securities Management*, 35(9), 51-75 (In Persian).
18. Nasiri, F., Aghabeigi, A., & Mirjalili, F. (2017). *Value chain development experience in the petrochemical industry; A case study of Singapore (No. 15631)*. Tehran: Islamic Council Research Center (In Persian).
19. Nasirzadeh, H., Amin-Tahmasbi, H., & Khalili, H. A. (2021). Investment analysis in privatization of National Iranian Drilling Company using systems dynamics and BWM technique. *Energy Policy*, 148, 111963.
20. National Company of Petrochemical Industries of Iran. (2019). Iranian Petrochemical Industry Yearbook (2018). Tehran - Iran: National Company of Petrochemical Industries of Iran (In Persian).
21. Obinger, H., Schmitt, C., & Traub, S. (2016). *The political economy of privatization in rich democracies*. Oxford University Press.
22. Ostrom, E. (1998). A behavioral approach to the rational choice theory of collective action: Presidential address, American Political Science Association, 1997. *American political science review*, 92(1), 1-22.
23. Ostrom, E. (2009). *Understanding institutional diversity*. Princeton university press.
24. Ostrom, E. (2006). The value-added of laboratory experiments for the study of institutions and common-pool resources. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 61(2), 149-163.
25. Ostrom, E. (2005). Doing institutional analysis digging deeper than markets and hierarchies. *Handbook of new institutional economics*, 819-848.
26. Ostrom, E. (2009). *Understanding institutional diversity*. Princeton university press.
27. Pao, H. W., Wu, H. L., & Pan, W. H. (2008). The road to liberalization: Policy design and implementation of Taiwan's privatization. *International Economics and Economic Policy*, 5, 323-344.
28. Pashapour, S., Bozorgi-Amiri, A., Azadeh, A., Ghaderi, S. F., & Keramati, A. (2019). Performance optimization of organizations considering economic resilience factors under uncertainty: A case study of a petrochemical plant. *Journal of cleaner production*, 231, 1526-1541.

29. Pera, A. (1997). Privatisation, liberalisation and the orientation of regulation. *The Privatization of Public Utilities: The Case of Italy*, 17-34.
30. Pourahmadi, M., Mukhtarianpour, M., & Hasanqolipour Yasuri, T. (2018). Pathology of the implementation of privatization policies in Iran. *Public Administration (Tehran University)*, 35(10), 333-356 (In Persian).
31. Qolipour, H. (2016). *Understanding the challenges of the transformation of humanities in the Islamic Republic of Iran based on the institutional approach (Master's thesis)*. Imam Sadiq University (In Persian).
32. Rezaei, M. J., Yarahmadi, M., & Salehi, A. H. (2022). Examining the sixth development program based on the economic discourse of the Islamic revolution on rural development; Suggestions for drafting the seventh development program document. *Strategic and macro policies*, 10(3), 476-507 (In Persian).
33. Rhea, J. E. (2005). Privatization in the International Patization in the International Petroleum Industroleum Industry: The Interplay: The Interplay between Politics, Economics, and Reliance. *Journal of International Law & Policy*, 4, 609-640.
34. Sangbor, M. A., Safi, M. R., Azar, A., & Rabia, M. (2022). Identifying and prioritizing the enablers of sustainable supply chain management in the petrochemical industry with the combined approach of "ultracomposition" and "graph theory and matrix approach". *Industrial Management Studies*, (64), 1-34 (In Persian).
35. Sharifzadeh, M. J., & Sarmast Shushtari, M. (2022). Institutional analysis of the establishment of the tax system on the total income of natural persons in Iran (using the framework of development and institutional analysis). *Parliament and Strategy*, (110), 61-90 (In Persian).
36. Shokouhi, M. R., Mohtashmpour, R., & Hosseini Mehr, S. H. R. (2019). Examining the challenges of Iran's petrochemical industry in the framework of the general policies of resistance economy. *Majlis and Strategy Quarterly*, (102), 295-330 (In Persian).
37. Smajgl, A., Leitch, A., & Lynam, T. (2009). Outback Institutions: An application of the Institutional Analysis and Development (IAD) framework to four case studies in Australia's outback. *DKCRC report*, 31.
38. Sayyad Shirkosh, S., Fayez, S., & Faqih, A. H. (2019). Presenting a model of public and private sector participation in Iran's downstream oil industry. *Public Management Research*, 50(13), 34-56. (In Persian)
39. Teyyeb, H. (2019). *National export strategy 1400-1404; Petrochemical sector strategy; Relying on Iran's natural resources and industrial strengths to supply world markets*. Iran Trade Development Organization (In Persian).
40. The official website of the central bank. (2022). Central bank data. Central bank of Islamic Republic of Iran (In Persian).

41. Todo, Y., Inui, T., & Yuan, Y. (2014). Effects of Privatization on Exporting Decisions: Firm-level evidence from Chinese state-owned enterprises. *Comparative Economic Studies*, 56, 536-555.
42. Vakili fard, H. R., Foroughnejad, H., & Khushnoud, M. (2013). Assessing the behavior of investors in Tehran Stock Exchange with the method of network analysis process. *Asset Management and Financing*, 2(1), 19-34 (In Persian).
43. Varahrami, V., Dargah, H., & Biranvand, F. (2018). The effect of privatization on the export performance of Iranian petrochemical companies (case study: polyethylene export). *Economics and Modeling (Economics)*, 9(2), 101-124 (In Persian).
44. Young, O. R., Berkhout, F., Gallopin, G. C., Janssen, M. A., Ostrom, E., & Van der Leeuw, S. (2006). The globalization of socio-ecological systems: an agenda for scientific research. *Global environmental change*, 16(3), 304-316.

